

## عقلانیت و اخلاق؛ نقطه کانونی تعامل بانکداری ایران با بانکداری بین‌الملل

یداله دادگر\*، ناصر الهی\*\* و اکبر کشاورزیان\*\*\*

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۶/۰۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۹/۱۵

### چکیده

یکی از چالش‌های مهم ایجاد تعامل و ارتباط بین بانکداری بدون ربا برای ایران با بانکداری متعارف در سطح بین‌الملل - به غیر از زمان بودن اصلاح فضای تحریم شورای امنیت سازمان ملل - عدم رعایت استانداردهای مالی و بانکی بین‌المللی است. در هزاره سوم میلادی و بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر، بحران مالی سال ۲۰۰۷، ترویج تروریسم و... ضوابط و مقررات مالی و بانکی در جهان سخت‌گیرانه‌تر شد، اما به دلیل رخدادهای سیاسی، اقتصادی، قانونی و... ضوابط و مقررات بانکی در ایران کم‌رنگ‌تر شده، نظارت متولیان پولی و بانکی کشور کاهش یافته و به رعایت استانداردهای مالی کم‌توجهی شده است. در این دوره تعامل بین بانکداری ایران و بانکداری بین‌الملل با مشکلاتی مواجه شده و موضوع تطبیق اهمیت بیشتری یافته است. سوال اصلی این است که آیا می‌توان با تمرکز بر نقاط مشترک و مورد قبول در قالب استانداردهای تدوین شده بر مبنای عقلانیت و اخلاق، بین بانکداری بدون ربا برای ایران با بانکداری بین‌الملل، تعامل و همکاری ایجاد کرد. هدف اصلی این مقاله معرفی و استخراج استانداردهای مورد نظر و مقایسه آنها برای ارائه راهکارهای تعامل و گسترش همکاری‌های نظام بانکی و اخلاق، بین بانکداری متعارف دنیا است. برای انجام این تحقیق از روش مطالعه اسنادی و تحلیلی - توصیفی استفاده می‌شود. شاخص‌های کلی عقلانیت و اخلاق در بانکداری بدون ربا که مطابق با بانکداری متعارف است و تنها تفاوت آن رعایت ضوابط شریعت بر این شاخص‌ها است، عبارتند از: قوانین و مقررات (قوانین داخلی و بین‌المللی و رعایت شاخص‌های مالی و بین‌المللی)، حقوق ذی‌نفعان (سهامداران، مشتریان، کارکنان و نهادهای مرتبط) و مسئولیت اجتماعی (محیط زیست، رفاه اجتماعی، رشد و توسعه و اشتغال). بحران مالی سال ۲۰۰۷ در کشورهای توسعه یافته از جمله ایالات متحده آمریکا، کشورهای عضو OECD و حوزه یورو در متغیرهای رشد، تولید ناخالص داخلی، نرخ بهره، نرخ بیکاری، نسبت سرمایه به دارایی‌های نظام بانکی و نرخ رشد سهام باعث شوک شده و این موارد باعث افزایش ضوابط مالی و بانکی در بانکداری بین‌الملل شده است. بررسی متغیرهای مالی و بانکی در ایران حکایت از تغییر مسیر برخی از شاخص‌های مهم و کم‌رنگ شدن وضعیت نظارت و رعایت ضوابط بین‌المللی شده است که این مساله در دوره پسابرجام باعث مشکلات تعامل با بانکداری بین‌الملل می‌شود. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد با تمرکز بر شاخص‌های عقلانیت و اخلاق که در سطح بین‌الملل مشترک بوده و مورد پذیرش بانکداری ایران نیز است، می‌توان در دوره پساتحریم با بانکداری بین‌الملل مرادوات اثربخشی داشت.

### طبقه‌بندی JEL: G28.

کلیدواژه‌ها: عقلانیت، اخلاق، تطبیق، تحریم، بانکداری بدون ربا و بانکداری بین‌الملل.

\* استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه شهید بهشتی، y\_dadgar@sbu.ac.ir

\*\* دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه مفید، elahi@mofidu.ac.ir

\*\*\* دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشگاه مفید، نویسنده مسئول، peyvasti@gmail.com

۱- مقدمه

بانکداری به عنوان یکی از مهم ترین عوامل رشد و توسعه اقتصادی در تاریخ تحولات اقتصادی مطرح بوده و در عصر حاضر، وجود اقتصادی پویا و کارآمد بدون نهاد بانک قابل تصور نیست. چالش اصلی بانکداری مرسوم از منظر برخی رویکردها، شبهات ربوی بودن آن است که بهره برداری از این نهاد مهم و دانش بشری را برای گروهی از مسلمانان دشوار ساخته است. این مشکل در نظام بانکی به دلیل توجه کمتر به مبانی عقلانیت، اخلاق کسب و کار، اجماع عقلا و نظرات کارشناسان مالی و بانکی و تمرکز بیشتر بر ظواهر شریعت (تسخیری، ۱۳۸۴) و ایجاد خطوط خاصی در زمینه عملکرد نهادهای مالی با تمرکز بر موضوع تحریم ربا، باعث ترسیم چارچوب محدودی برای عملکرد نهادهای مالی شده است. این مشکل را می توان در دو جنبه عملیات بانکداری داخلی و تعامل با بانکداری بین الملل مورد بررسی قرارداد؛ از جنبه داخلی، به نظر می رسد این چارچوب خاص با توجه به تحولات شتابان در عرصه مالیه و تأمین مالی در جهان، ظرفیت پاسخگویی به نیازهای متعدد بنگاه ها و متولیان اقتصادی را نداشته و به دلیل میخکوب شدن این چارچوب در قالب قوانین رسمی از جمله قانون بانکداری بدون ربا، عملیات نظام مالی به ویژه نظام بانکی را با مشکل مواجه کرده و باعث دوری از شاخص های اسلامی و حتی استانداردهای عقلانیت و اخلاق (که در بانکداری مرسوم رعایت می شود) شده است.

عقلانیت و اخلاق زیربنای مبانی اقتصاد کلاسیک، بانکداری مرسوم و بانکداری بین الملل است. گرایش ها و رویکردهایی از عقلانیت در رویکرد مالی و بانکی شریعت نیز مطرح است. تعامل بانکداری ایران با بانکداری بین الملل به دو بخش اصلی مرادوات و معاملات بانکی و تأمین مالی تقسیم می شود. در دوره پسابرجام، مشکل اصلی تعامل با بانکداری بین الملل در مرادوات بانکی، مقررات، دستورالعمل ها و ضوابط جدید و سخت گیرانه مالی و بانکی است که از آغاز هزاره سوم میلادی به ویژه بعد از ۱۱ سپتامبر و بحران مالی سال ۲۰۰۷، تدوین و به دلایل منطقی و رعایت اصول اخلاقی در مرادوات بین المللی برای کاهش یا محدود کردن پولشویی، تأمین مالی تروریسم و مانند آن اجرایی شده است. قوانین و مقررات بانکی بین المللی در قالب استانداردهای جهانی نظیر رعایت اصول کمیته بال، مبارزه با پولشویی و تروریسم و... مطرح شده است که در کل به صورت مدیریت

تطبیق<sup>۱</sup> مورد بررسی قرار می‌گیرد. این ضوابط و مقررات به دلیل داشتن مبانی عقلانی و اخلاقی مورد پذیرش بانکداری ایران نیز است که نظام بانکی کشور با رعایت این ضوابط، باید شاخص‌های مالی و بانکی خود را به سطح استانداردهای بین‌المللی برای شروع مراودات و معاملات بانکی ارتقاء دهد.

موضوع دیگر در تعاملات بانکداری بین‌الملل، امکان تأمین مالی بنگاه‌های اقتصادی و بانک‌ها از طریق بانک‌های معتبر بین‌المللی است. با توجه به اینکه تأمین مالی در قالب فاینانس و ریفاینانس در قالب عقود شریعت انجام نمی‌شود، امکان اخذ تسهیلات از این طریق (همانند نظام بیمه‌ای کشور)، تنها از مسیر عقلایی بودن و منافع حاصل از آن برای مردم و اقتصاد کشور از جنبه فقهی قابل توجیه بوده و قبل از تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل نیز این نوع تأمین مالی در بازار مالی کشور با همین مبانی انجام می‌شد.

هدف اصلی این مقاله، پرداختن به مبانی مشترک عقلانیت و اخلاق برای ایجاد تعامل بین بانکداری بدون‌ریا و بانکداری بین‌الملل و بهبود کارکردها و ایجاد امکان پاسخگویی بانکداری کشور به نیازهای گوناگون کسب و کار امور مالی و بانکی در عصر فناوری‌های نوین است. بانکداری متعارف که حاصل برخی رویکردها از عقلانیت است در دهه‌های اخیر به سمت اخلاقی بودن نیز پیش رفته و با تکیه بر این دو اصل مهم، موفقیت‌های قابل قبولی کسب کرده و در رشد و توسعه اقتصادی کشورها نقش بنیادی دارد و جالب آنکه با تحولات صورت گرفته در خصوص تغییر ماهیت پول فلزی، رواج پول اعتباری، تورم و... استنباط ربوی بودن این نوع بانکداری کمتر در جوامع مربوطه احساس می‌شود. همچنین عقلانیت و اخلاق به‌عنوان مهم‌ترین و نزدیک‌ترین ابزارهای قابل استفاده در شریعت برای تصمیم‌گیری مطرح بوده و به‌ویژه در احکام معاملات (که در آنها رسیدن به نتایج دارای اهمیت است و در دوره‌های مختلف، این احکام می‌تواند تغییر کند و این موضوع از پویایی شریعت اسلام است)، می‌توان از تجربه بانکداری مرسوم بهره‌برداری کرد.

برای رسیدن به هدف اصلی این پژوهش، ابتدا به ارائه پیشینه موضوع پرداخته شده و تحقیقات انجام شده در ادبیات موضوع ارائه می‌شود. سپس مرور اجمالی به مبانی نظری عقلانیت و اخلاق داشته و رابطه عقلانیت و اخلاق کسب و کار با مبانی بانکداری و فقهی مورد بررسی قرار می‌گیرد. معیارهای اصلی عقلانی و اخلاقی بانکداری بین‌الملل که در

قالب قوانین و مقررات مختلف مطرح هستند به صورت کلی در مدیریت تطبیق ارائه شده و راهکارهای تعامل مراودات بانکی استخراج می شود. در بخش بعدی این مقاله، به نقطه اشتراک بانکداری ایران و بانکداری بین الملل، یعنی عقلانیت و اخلاق تاکید می شود که برای ایجاد تعامل بین دو نوع بانکداری، نظام بانکی کشورمان باید به سمت عملیاتی کردن شاخص ها و استانداردهای مالی و بانکی بین المللی که حاصل عقلانیت و اخلاق است، حرکت کند و خود را از برخی مسائل فاقد عقلانیت و اخلاق که رعایت استانداردهای بانکداری اسلامی را نیز دشوار کرده است، رها کند. مباحث این مقاله با بررسی تجربی شاخص های مالی و بانکی بین المللی در نظام بانکی ایران و ارائه راهکارها و پیشنهادها عقلانی و اخلاقی کاربردی خاتمه می یابد.

## ۲- پیشینه تحقیق

### ۲-۱- مطالعات داخلی

دادگر (۱۳۸۵) در مطالعه ای با عنوان «اخلاق بازرگانی (و کسب و کار) از منظر اقتصاد و اقتصاد اسلامی» با رویکرد تحلیلی- توصیفی به بررسی ملاحظات عمومی رابطه بین اقتصاد و مصداق های عملی اخلاق کسب و کار پرداخته و پیوند اخلاق بازرگانی با پارادایم اقتصاد اسلامی را مورد تحلیل قرار داده است.

مرکز مطالعات استراتژیک (۱۳۸۶) در گزارشی با عنوان «اخلاق در اقتصاد»، مبانی و مفاهیم اخلاق، اقتصاد، عقلانیت، نفع شخصی، دست نامرئی و روابط بین آنها با بهره گیری از مبانی نظری و مطالعات جدید مورد بررسی قرار داده است.

دادگر و هادوی نیا (۱۳۹۲) در مقاله خود با عنوان «مطالعه تطبیقی عقلانیت اسلامی با رویکرد شناختی» با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی نشان می دهند که رویکرد شناختی به اقتصاد موجب می شود برخی موضوعات اصلی که با محوریت شناخت ارتباط تنگاتنگی دارند، دارای اهمیت بیشتری در اقتصاد هستند. در این مقاله موضوعات عقلانیت، اطلاعات و تحلیل رفتارهای اقتصادی در اقتصاد اسلامی مورد بررسی دقیق قرار گرفته و این یافته ها به عنوان مزیتی معرفی شده که رویکرد شناختی به اقتصاد برای اقتصاد اسلامی به ارمغان آورده است.

بروجردی (۱۳۹۱) در کتاب خود با عنوان «اقتصاد اخلاقی» در هفت فصل به مباحث پایه‌ای علم، اخلاق، اقتصاد، رابطه بین اخلاق و توسعه اقتصادی، نظریه‌های مختلف اخلاق و اخلاق انسانی و اخلاقیات حرفه‌ای می‌پردازد.

دانش (۱۳۹۲) در رساله دکتری خود با عنوان «بررسی مقایسه‌ای وجوه مشابهت عقلانیت در اقتصاد متعارف و اقتصاد اسلامی با تاکید بر رفتار مصرف‌کننده» و بهره‌گیری از روش مطالعه تحلیلی- تطبیقی به مقایسه عقلانیت در دو اقتصاد متعارف و اسلامی می‌پردازد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، نخست؛ سه رویکرد مهم به عقلانیت عبارتند از: الف- رویکرد مبتنی بر فرض سازگاری، ب- رویکرد مبتنی بر فرض نفع‌طلبی و ج- رویکرد مبتنی بر فرض اطلاعات کامل. دوم؛ بین دو نوع عقلانیت، حدود ۲۵ مورد وجه اشتراک در اصول، زیربناها و مولفه‌های اصلی وجود دارد که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بر مصرف‌تأثیر دارد. سوم؛ عقلانیت در اقتصاد متعارف و اسلامی معطوف به حیات فردی و جمعی است. هر چند که تفاوت میزان فراگیری و شمول آن، وجه افتراق آنها را تشکیل می‌دهد. چهارم؛ با توجه به ابزاری بودن عقلانیت در اقتصاد متعارف و معرفتی، اخلاقی و ابزاری بودن آن در اقتصاد اسلامی، استنباط می‌شود که نوعی عقلانیت ابزاری هم وجه مشترک دیگر است، صرف‌نظر از این که عقل به کدام «خود» فرد خدمت کند.

دادگر و همکاران (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای با عنوان «تحلیل امکان‌سنجی مقاومت مالیه اسلامی در بحران‌های مالی» به امکان‌سنجی مقاومت مالیه اسلامی در بحران‌های مالی پرداخته و نتیجه‌گیری می‌کنند که التزام واقعی به آموزه‌های اسلامی، ضمن توجه به عقلانیت، توان لازم جهت کاهش شدت بحران‌های مالی را دارد.

خورسندیان و همکاران (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای با عنوان «ارائه الگویی برای بانکداری اخلاقی» با استفاده از روش مطالعه اسنادی و پیمایش با استخراج شاخص‌های بانکداری اخلاقی و تدوین پرسشنامه به بررسی وضعیت اجرای بانکداری اخلاقی در نظام بانکی ایران پرداخته است. نتایج تحقیق بیانگر آن است که از دید مدیران بانکی دو معیار رعایت اخلاق در برخورد با کارکنان و سهامداران و مشتری‌مداری از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند و اهمیت سایر معیارها نسبت به این دو کمتر است. نتایج حاکی از آن است که بین نظرات مدیران بانک‌های دولتی و خصوصی در رتبه‌بندی شاخص‌ها تفاوت خاصی وجود ندارد.

حسین عیوضلو و وهاب قلیچ (۱۳۹۳) در کتابی با عنوان «بانکداری اخلاقی با رویکرد اسلامی - ضوابط اخلاقی و تدابیر ساختاری» به بررسی معیارهای اخلاقی در نظام اسلامی، مبانی بانکداری اخلاقی، تجربه برخی کشورها و بانک‌های مختلف جهان و ضوابط اخلاقی حاکم در بانکداری اسلامی می‌پردازد. این مطالعه با تعیین خط‌مشی اخلاقی، تدوین ضوابط اخلاقی و ارائه تدابیر ساختاری به نحوه اجرایی شدن نظام بانکداری اخلاقی در نظام بانکی کشور می‌پردازد.

## ۲-۲- مطالعات خارجی

با توجه به پایه‌گذاری نظری و عملی بانکداری مرسوم بر پایه عقلانیت اقتصادی، مطالعات منسجمی با عنوان بانکداری مبتنی بر عقلانیت در جهان منتشر نشده، اما در خصوص بانکداری اخلاقی در دهه اخیر کارهای علمی شروع شده است که می‌تواند مبنای خوبی در خصوص موضوع پژوهش حاضر باشد. در این بخش به برخی از مطالعات مهم و مرتبط انجام شده اشاره می‌شود.

روزلی و ابوبکر (۲۰۰۳) در مقاله‌ای با عنوان «عملکرد بانک‌های اسلامی و مرسوم در مالزی» به بررسی کارایی و رعایت برخی شاخص‌های اخلاقی و اسلامی در بانک‌های مالزی می‌پردازد. در این مقاله بیان می‌شود که میزان بازده دارایی (ROA) در بانک‌هایی با رویه بانکداری اسلامی (IBS) بیشتر است و این میزان تا حدی است که آنها می‌توانند از مخارج و هزینه‌های بالاسری و عمومی که بانک‌های اصلی متحمل آن می‌شوند، جلوگیری کرده و در این زمینه بهره‌وری داشته باشند. این یافته همچنین مباحث مربوط به تحت‌الشعاع قرار گرفتن بانک‌های مرسوم از لحاظ کارآمدی توسط بانکداری اسلامی را که بر اثر ارائه محصولات بدون ربا پیشرفت کرده و رونق یافته است، تأیید می‌کند. اگر چه محصولات اسلامی تأمین مالی اعتباری با قوانین و مقررات شریعت مطابقت دارد، انتظار می‌رود این بانک‌ها به محتوای اخلاقی عملیات مالی خود نیز توجه کنند تا بهره‌وری خود را ارتقا دهند.

رحمان و عسکری (۲۰۱۰) در تحقیقی با عنوان «شاخص اسلامی بودن اقتصاد» به استخراج شاخص‌های اسلامی بودن و نحوه عملکرد آنها در ۲۰۸ کشور جهان پرداخته

است. شاخص‌های مورد نظر در این تحقیق به چهار گروه الف- شاخص اسلامی بودن اقتصاد، ب- شاخص اسلامی بودن حکومت و قانون، ج- شاخص اسلامی بودن حقوق سیاسی و انسانی و د- شاخص اسلامی بودن روابط بین‌الملل تقسیم می‌شود. متغیرهای شاخص اسلامی بودن اقتصاد عبارتند از: ۱- آزادی اقتصادی و فراهم کردن فرصت برابر اقتصادی، ۲- عدالت اقتصادی و حفاظت از حقوق مالکیت، ۳- ایجاد فرصت‌های شغلی و دسترسی به اشتغال برای همه، ۴- دسترسی برابر به آموزش، ۵- مبارزه با فقر و امکان تامین نیازهای اساسی برای همه، ۶- توزیع متوازن ثروت و درآمد، ۷- تدارک زیرساخت‌های مالیاتی و رفاهی، ۸- مدیریت بهینه منابع، ۹- توجه به استانداردهای اخلاقی از جمله صداقت و شفافیت، ۱۰- فقدان سفته‌بازی محض، ۱۱- دستگاه مالی بدون ربا و ۱۲- حفاظت از محیط زیست. نتایج این تحقیق حکایت از رتبه ۱ تا ۲۴ برای کشورهای توسعه یافته و رتبه ۱۳۳ برای کشورهای اسلامی و رتبه ۱۳۹ برای کشور ایران دارد.

ویلسون (۲۰۱۰) در مقاله‌ای با عنوان «توازن بین بانکداری اخلاقی و بانکداری اسلامی» اعلام می‌دارد که بانک‌های اسلامی اغلب خود را به عنوان تهیه‌کنندگان خدمات مالی اخلاقی توصیف می‌کنند، اما عملکرد آن‌ها آنچه را این مفهوم دربر می‌گیرد به طور صریح القا نمی‌کنند. مفهوم کلمه اخلاق با اسلامی بودن برابری می‌کند، اما در این بانک‌ها تلاش کمتری برای ایجاد ارتباط بین مولفه‌های اخلاقی و روش‌های اجرای عملیات مالی می‌شود. تحقیقی که در یک بانک مرسوم در خصوص عکس‌العمل مشتریان (۳۰ هزار مشتری) برای اجرای سیاست اخلاقی به عمل آمد، نشان داد که ۸۴ درصد موافق اجرای سیاست اخلاقی هستند و تنها ۵ درصد اعتقاد داشتند که بانک رابطه‌ای با اخلاقیات ندارد. اصول اخلاقی مطرح شده عبارت بود از: عدم ارائه خدمات مالی برای پایمال نمودن حقوق بشر، عدم ارائه خدمات مالی برای بنگاه‌های ساخت و فروش سلاح و جنگ‌افزار، شکار حیوانات و نابودی مزارع و عدم ارائه خدمات مالی به شرکت‌هایی که در تولید سوخت‌های فسیلی که باران اسیدی تولید می‌کنند یا مواد شیمیایی غیرطبیعی که به سوراخ شدن لایه اوزون می‌انجامد و به محیط زیست آسیب می‌زند.

بانک مرکزی ترکیه (۲۰۱۰) به مقایسه بانک‌های خود براساس کدهای اخلاق بانکداری در هفت بخش اصلی می‌پردازد که برای بانکداری ایران نیز می‌تواند مفید باشد: ۱- مقررات عمومی شامل: الف- اهداف و فلسفه وجودی، ب- مجوز قانونی، ج- اصول

کلی، ۲- روابط بانکها با سازمانها و موسسات عمومی، ۳- روابط بین بانکها شامل: الف- تبادل اطلاعات، رفتار کارکنان، ب- رقابت، ج- تبلیغات و اطلاع‌رسانی، ۴- روابط بانکها با مشتریان شامل: الف- اطلاعات مشتریان، ب- حفظ اسرار مشتریان، ج- کیفیت خدمات، د- شکایت مشتریان، ۵- روابط بانکها با کارکنان خود شامل: الف- وضعیت رفاهی، ب- مسیر شغلی، ج- محیط کاری، د- ساعات کاری و روابط کارکنان با مشتریان ه- قانون کار، ۶- قواعد حرفه‌ای و اصول اخلاقی شامل: الف- پایایی بخشنامه‌ها، ب- فرایندهای بانکی، ج- میزان پذیرش و بازنگری فرایندها، د- نحوه اجرای تصمیمات کمیته تخصصی اخلاق و ۷- سایر مقررات شامل: الف- کشف عدم تطبیق‌ها و تحریم‌ها و ب- کیفیت اجرای بانکداری اخلاقی.

دیمیرالپ (۲۰۱۴) در مطالعه‌ای با عنوان «عقلانیت اسلامی، گواهی بر بانکداری اسلامی» به بررسی عقلانیت اسلامی در بانکداری اسلامی می‌پردازد و اعلام می‌دارد که رمز موفقیت بانکداری اسلامی، عقلانیت اسلامی است. این مطالعه اثر رفتار مشتریان و الزامات مذهبی بانک اسلامی را بر تصمیمات اقتصادی بانک بررسی می‌کند. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که تفاوت معنی‌داری در رضایت مشتریان بانک‌های اسلامی و مرسوم در خصوص حساسیت و عقلانیت اقتصادی وجود ندارد. مصاحبه‌های انجام شده نشان می‌دهد که افراد مذهبی، بانک‌های اسلامی را به دلیل ارائه سودها و منافع رقابتی ترجیح می‌دهند. بانک‌های اسلامی مشتریان را به سرمایه‌گذاری جایگزین یا معاملات تجاری که دارای مزیت‌های بالایی هستند، توصیه می‌کنند. به عبارت دیگر، بانک‌های اسلامی علاوه بر انگیزه‌های مذهبی به دلیل داشتن عقلانیت اقتصادی دارای عملکرد موفق هستند و سهم خود را در بازار پول افزایش می‌دهند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که برخلاف دیدگاه رایج مبنی بر آرمان‌گرایی و تفکر رادیکال در تامین مالی اسلامی، بانک‌های اسلامی دارای انگیزه‌های عمل‌گرایانه و دارای عقلانیت اقتصادی بوده و عملکرد خود را با نظام‌های اقتصادی رایج (لیبرال) تطبیق می‌دهند.

مطالعات انجام شده در ادبیات موضوع حکایت از آن دارد که با وجود انتشار برخی مطالعات پراکنده و موردی در ارتباط با موضوع تاکنون کار علمی و تحقیق منسجمی که مترصد ارائه مدل بانکداری بدون ربا بر پایه عقلانیت و اخلاق برای تعامل با بانکداری بین‌الملل باشد، منتشر نشده و این مقاله درصدد ارائه آن است.



### ۳- عقلانیت در بانکداری متعارف و بانکداری اسلامی

عقلانیت<sup>۱</sup> در علم اقتصاد به عنوان یک پیش فرض برای رفتار عاملان اقتصادی در نظر گرفته می شود. هرچند رفتار عقلانی، پیش فرض بسیاری از علوم انسانی به حساب می آید، اما نمود آن در اقتصاد آشکارتر است. در اصل، مفاهیم ابزاری این پیش فرض از مبانی انسان شناسی فرهنگ حاکم در چند قرن اخیر - به ویژه قرن هفدهم - به دست آمده است. این مبنا به طور صریح در نظریه رفتار مصرف کننده و رفتار بنگاه و به طور ضمنی در بسیاری از نظریه های اقتصادی نهفته است. در عین حال، عقلانیت به عنوان یک پیش فرض اساسی برای ارائه نظریه درباره رفتار اقتصادی و در تکامل ادبیات اقتصادی، سهم جدی و شایانی داشته است. عقلانیت به تعبیر مختلف به شکل های گوناگونی تعریف شده است. در یک چارچوب فرضی، عقلانیت به صورت ابزاری برای توجیه تصمیم گیری در نظریه پردازی های علمی، مشکل نحوه تصمیم گیری عاملان اقتصادی (موردنظر برخی قرائت های سرمایه داری) را حل کرده است (دادگر، ۱۳۸۲).

#### ۱-۳- عقلانیت در اقتصاد و بانکداری متعارف

عقلانیت در اقتصاد: قرن هفدهم، قرن تولد اقتصاد است و ویژگی عمده آن زاده این دوره است. یکی از دیدگاه های فلسفی نگاه به انسان، نظرات دکارت بود. انسان ترسیم شده از سوی دکارت، انسانی عقلانی، همه چیزدان و حسابگر بود. وقتی این فلسفه با فلسفه لذت و درد بنام ترکیب شد، انسانی عقلانی و حسابگر که به دنبال حداکثر کردن لذت و حداقل کردن درد بود، پدید آورد. بنام ویژگی های این نگرش را چنین برمی شمارد: الف- لذت جویی: هدف انسان در زندگی کسب لذت بیشتر و دفع رنج ها، ب- حسابگری: بیشترین نفع با کمترین هزینه (رفتار عقلایی) و ج- خودخواهی: همه چیز را برای خود خواستن (هادوی نیا، ۱۳۸۱).

در شکل گیری اولیه مفهوم عقلانیت - به ویژه عقلانیت ابزاری در اقتصاد - دیدگاه های اندیشمندان مختلف قرن های شانزدهم تا هجدهم - به ویژه پیروان پروتستان - تاثیر به سزایی داشته است. اصلی ترین دیدگاه های موثر بر شکل گیری این مفهوم عبارت بودند از:

عقل گرایی، فرد گرایی، لذت جویی، انسان گرایی، طبیعت گرایی، مطلوبیت گرایی و آزادی، همراه با روح کلی مادی گرایی. از پس این مفاهیم، در ذهن نظریه پردازان اقتصادی، انسانی تجسم شد که بعدها انسان اقتصادی یا انسان عقلانی نامیده شد.

چارچوب عقلانیت در اقتصاد کلاسیک خیلی روشن نبود، اما برای اولین بار ناسوسینیور، چهار اصل اساسی را به عنوان پایه‌های اقتصاد مطرح کرد که اصل اول آن کسب حداکثر ثروت و مطلوبیت با صرف کمترین امکانات بود. به مرور، این مفهوم به پی جویی نفع شخصی تکامل یافت و محور عقلانیت ابزاری شد. نفع شخصی به عنوان محرک اصلی در فعالیت‌های اقتصادی معرفی شد و عقلانیت، پی جویی این نفع تلقی شد. این فرایند به گونه‌ای شکل گرفت که آن را به عنوان یک قانون تلقی کردند و گاهی نیز به آن تقدس بخشیدند. این مدل بر اساس مبنای فلسفی «اصالت فایده» شکل گرفته است. این شکننده‌ترین قرائت عقلانیت است که به نئوکلاسیک‌های ارتدکس مربوط می‌شود و انسان با رفتار عقل ابزاری همانند یک ماشین منطقی مصون از خطا تلقی شده و مانند اتم فیزیکی حرکت می‌کرد (نمازی و دادگر، ۱۳۹۰، ص ۳۲).

عقلانیت به سه شاخه نظری، ذاتی و ابزاری تقسیم‌بندی شده و عقلانیت مدنظر کلاسیک‌ها، عقلانیت ابزاری است که با نفع شخصی شناخته می‌شود. آدم اسمیت به عنوان پدر علم اقتصاد اعتقاد دارد که نفع شخصی با نفع اجتماعی هماهنگی دارد، اما برخی از متفکرین این اعتقاد را قبول نداشته و اعتقاد دارند که نفع فردی و اجتماعی همسو نیستند (دادگر، ۱۳۸۲).

عقلانیت در بانکداری متعارف و بین‌الملل: بانکداری در دنیای غرب حاصل عملکرد عقلایی متولیان بازار پول در تاریخ تحولات اقتصادی و اصل بنیادی بوده و حداکثرسازی سود (نفع شخصی) به عنوان نقطه عطف نظام بانکداری و شرط بقای آن قلمداد می‌شود. این عقلانیت در نظام بانکی متعارف باعث بوجود آمدن اصول اساسی در مبانی بازار پول، ساختار نظام بانکی، شاخص‌های مالی و امور بانکی شده و این مبانی همواره در حال گسترش است.

اجماع کارشناسان و عقلای نظام بانکی در کشورهای مختلف جهان برای ایجاد استحکام در ترازنامه و ساختار مالی بانک‌ها با هدف حداکثرسازی منافع ذی‌نفعان و

## عقلانیت و اخلاق؛ نقطه کانونی تعامل بانکداری ایران با ... ۱۰۳

کاهش ریسک‌های اعتباری، عملیاتی و نقدینگی باعث معرفی شاخص‌های مالی و بانکی بین‌المللی در قالب ضوابط و مقررات مختلف به‌ویژه کمیته بال ۱، ۲ و ۳ شده است. به عبارت روشن‌تر، عقلانیت حاکم بر بانکداری متعارف و لزوم ایجاد شفافیت عملکرد سایر بانک‌ها در کشورهای مختلف جهان برای ایجاد تعاملات و معاملات واقعی با کمترین ریسک، باعث تدوین مجموعه مقررات بین‌المللی برای ارائه وضعیت مالی بانک‌های مختلف شده است. بنابراین، مبانی عقلانیت در بانکداری بین‌الملل را می‌توان در ضوابط و مقررات فعلی حاکم بر نظام بانکداری بین‌الملل به‌ویژه ضوابط تدوین شده کمیته بال جست‌وجو کرد. این ضوابط و مقررات عقلانی در بخش بعدی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت.

### ۲-۳- عقلانیت در اسلام و بانکداری اسلامی

عقلانیت در اسلام: انسان مورد نظر اسلام برخلاف تصور ابتدایی، موجودی است با خصوصیات واقعی که باید کرامت و شرافت آن محفوظ بماند. این انسان علاوه بر تلاش برای کسب منافع شخصی به منافع اجتماعی، معنوی، اخروی و بلندمدت نیز فکر می‌کند. انسان اسلامی به‌طور کلی مختار و آزاد است، اما مانند نگرش ارتدکس یکنواخت نیست و درجاتی دارد. هر چه درجه ایمان و التزام عملی انسان به اسلام بیشتر باشد، خصوصیات متعالی وی بر خصوصیات مادی فزونی می‌گیرد، از کالاهای لذت‌مادی و هم‌معنوی کسب می‌کند و ضمن استفاده از کالاهای دنیوی، دوره مصرف و برنامه‌ریزی خود را تا قیامت گسترش می‌دهد (دادگر، ۱۳۸۴، ص ۱۵). عقلانیت در اسلام محدود به حفظ منافع شخصی یا مطلوبیت فردی مادی نیست، بلکه تعدیل و گسترش می‌یابد. عقلانیت در اسلام را می‌توان «عقلانیت تعدیل‌یافته» یا «نفع شخصی گسترش‌یافته» نامید (دادگر، ۱۳۷۸).

عقلانیت در بانکداری اسلامی: با بررسی روح کلی بانکداری اسلامی که برگرفته از دانش و تجربه بشری، عقلانیت مستقر در بانکداری متعارف و در نهایت حذف پدیده ربا در عملیات بانکی است، می‌توان عقلانی بودن این نظام را نیز استنباط کرد. ربا به دلیل حکمت الهی و دلایل منطقی و اقتصادی تحریم شده است. بهره که به نوعی از تغییر ظاهری ربا حاصل شده است در جوامع غربی مورد قبول واقع شده و در اقتصاد کلاسیک طرفداران زیادی داشته و بدون داشتن نرخ بهره در یک اقتصاد، مدیریت پولی و اعتباری آن کشور

تقریباً غیرممکن می‌شود. منتقدان وجود نرخ بهره بر افزایش کارایی اقتصاد با کاهش نرخ بهره اصرار داشته و نرخ بهره صفر را باعث بالاترین کارایی قلمداد می‌کنند. در همه این مباحث یک نقطه کلیدی وجود دارد: نرخ بهره که حاصل سهم سرمایه در تولید یا فعالیت اقتصادی است، ماحصل متوسط بازدهی سرمایه در سطح کلان است.

به عبارت دیگر، اقتصاد متعارف با توجه به اهمیت سرمایه و سرمایه‌گذاری در رشد و توسعه اقتصادی و به ناچار تصمیم می‌گیرد به یک نرخ متوسط بازدهی در سطح کلان برای افزایش پس‌انداز و سرمایه‌گذاری در کشور بسنده کند تا مسیر تشکیل سرمایه و رشد و توسعه اقتصادی هموار شود. اما این سوال اساسی مطرح است که آیا نرخ بهره که حاصل متوسط بازدهی سرمایه در سطح کلان است، برای همه سرمایه‌گذاری‌ها یکسان است؟ بررسی مبانی بانکداری اسلامی حکایت از این موضوع دارد که بانکداری اسلامی در پی پاسخ دادن به این چالش دنیای غرب در خصوص سهم سرمایه از درآمد برای هر یک از سرمایه‌گذاری‌ها انجام شده است. این موضوع با تابع تولید توضیح داده می‌شود.

#### الف- تعیین دقیق سهم سرمایه از تولید در بانکداری اسلامی

یک تابع تولید ساده که از سه عامل نیروی کار، سرمایه و زمین تشکیل شده است به صورت  $y_1 = f(L_1, K_1, G_1)$  است که در آن  $y_1$ : تولید،  $L_1$ : نیروی کار،  $K_1$ : سرمایه و  $G_1$ : زمین.

این تابع تولید یک بنگاه اقتصادی است که براساس محاسبات انجام شده، سهم هر یک از عوامل تولید در ایجاد درآمد و تولید را می‌توان محاسبه کرد. در این بنگاه اقتصادی براساس سطح تکنولوژی حاکم، وضعیت بازار کالاها و خدمات، کمیابی مواد اولیه و ... سهم نیروی کار، سرمایه و زمین مشخص می‌شود که در این تابع تولید به ترتیب  $L_1$ ،  $K_1$  و  $G_1$  است.

عوامل تولید در یک بنگاه اقتصادی متفاوت با تابع تولید  $y_2 = f(L_2, K_2, G_2)$ ، سهم متفاوتی از تولید را به دلیل سطح تکنولوژی، نوع بازار و ... به خود اختصاص خواهند داد. براین اساس نیروی کار بنگاه اقتصادی یک، به میزان  $L_1$  دستمزد دریافت می‌کند و بنگاه اقتصادی دو به میزان  $L_2$  دستمزد دریافت می‌کند و این یک موضوع طبیعی و عقلانی

است. با وجود توابع تولید متفاوت برای  $Y_1$  و  $Y_2$  و سهم متفاوت عوامل تولید، عامل تولید سرمایه سهم یکسانی در هر بنگاه دارد و این موضوع دارای اشکال اساسی است. نکته جالب توجه و مهم این است که نظام بانکداری اسلامی درصدد حل این مشکل بوده و می‌خواهد با یک اقدام منحصربه‌فرد به دنبال اختصاص سهم واقعی به عامل تولید سرمایه باشد. بر این اساس، بانکداری اسلامی اقدام به انعقاد قراردادی مشارکتی و مبادله‌ای با شرکت‌های تولیدی کرده و ضمن محاسبه دقیق سهم درآمدی عامل تولید سرمایه، به جمع‌آوری نرخ‌های سود مشخص برای هر یک از بنگاه‌های اقتصادی پرداخته و نسبت به تقسیم آن در بین سرمایه‌گذاران نظام بانکی اقدام می‌کند. با این پایه منطقی و عقلانی مستحکم، بانکداری اسلامی توجیه‌پذیر بوده و به‌همین دلیل گسترش خوبی در سطح جهان در دهه اخیر داشته است.

#### ب- مبتنی بودن بانکداری بدون ربا به اقتصاد حقیقی

مبتنی بودن نظام بانکی بدون ربا به اقتصاد حقیقی به عنوان مهم‌ترین نقطه قوت بانکداری اسلامی مطرح بوده و این موضوع ضمن داشتن عقلانیت اقتصادی، باعث شده است که یک روش جدیدی برای تعیین سهم دقیق سرمایه از تولید ارائه شود. بانکداری مبتنی بر اقتصاد حقیقی این ظرفیت را دارد که یک پیوند منطقی بین صاحبان سرمایه و سود واقعی حاصل از فعالیت اقتصادی ایجاد کند و به‌نظر می‌رسد بهترین روش برای ایفای رسالت «واسطه‌گری مالی» باشد.

از منظر دیگر، مبتنی شدن بانکداری بدون ربا با اقتصاد حقیقی موجب اثربخشی در رشد و توسعه اقتصادی کشور شده و از بحران‌های دوران مختلف کسب و کار که ریشه در اعتبارات غیرواقعی و اوراق بهادار کاغذی بدون پشتوانه دارد، جلوگیری می‌کند.

با توجه به اصول بنیادین عقلانی حاکم بر عملیات بانکداری اسلامی فارغ از احکام تشریحی، اجرای دقیق بانکداری اسلامی در مقاطع آتی در جهان غرب با توجه به آماده بودن بسترهای سخت‌افزاری و نرم‌افزاری به‌ویژه شفافیت آمار و اطلاعات مالی و امکان نظارت بر تراکنش‌های مالی مشتری (طرف معامله یا شریک در قراردادهای اعتباری) دور از انتظار نبوده و رشد این نوع بانکداری در جهان در دهه اخیر موید این واقعیت است. بنابراین، چنانچه ملاحظه می‌شود برپا کردن بانکداری اسلامی با منطق عقلانیت اقتصادی به

خصوصاً از طریق اجماع عقلا (کارشناسان بانکی و اقتصادی) در کشورهای اسلامی اجتناب‌ناپذیر است و اگر این موضوع عملیاتی نشود، ما در مقاطع آتی شاهد الگوی بانکداری اسلامی تدوین شده از طرف دنیای غرب خواهیم بود که بر اساس مبانی فقهی و عقلانیت حاکم بر این مبانی طراحی شده است.

#### ۴- اخلاق در بانکداری متعارف و بانکداری بدون ربا

##### ۴-۱- اخلاق در اقتصاد و بانکداری متعارف

اخلاق در اقتصاد: بررسی تاریخ تحولات علم اقتصاد نشان می‌دهد که اخلاق در تدوین و تکامل علم رفتاری و واقعی اقتصاد نقش بنیادین داشته است. در مبانی فکری ارسطو، اقتصاد در حوزه مطالعاتی سیاست و اخلاق قرار داشت. بر اساس مبانی جدید منتسب به ارسطو که در دهه ۱۲۴۰ در اروپای غربی مطرح شد، اقتصاد ارسطویی که ریشه در فلسفه اخلاق داشت پا به عرصه وجود گذاشت. اقتصاد به عنوان بخشی از فلسفه اخلاق تا قرن ۱۸ میلادی در دانشگاه‌های غربی تدریس می‌شد. فرانسیس هاجسون<sup>۱</sup> استاد آدام اسمیت، درس خود را بر مبنای کتاب خود با عنوان «مقدمه‌ای کوتاه بر فلسفه اخلاق» در دو بخش فضیلت و قانون طبیعت (شامل حقوق خصوصی، اقتصاد و سیاست) در دانشگاه گلاسکو تدریس می‌کرد.

مباحث پایه‌ای آدام اسمیت بر اساس فلسفه اخلاق طراحی شده و کتاب مشهور وی (ثروت ملل) نیز بعد از اولین کتاب او یعنی «نظریه احساسات اخلاقی» منتشر شده است. اسمیت در اصول اخلاقی خود طیف گسترده‌ای از فضایل را در امور تجارت نظیر: تدبیر، هوشیاری، احتیاط، آینده‌نگری و میان‌رویی، وفای به عهد، قاطعیت، جدیت و خیرخواهی را ارائه می‌کند. بعد از اسمیت، اقتصاد با الهام از مبانی اخلاق به تدریج به رشته دانشگاهی مستقلی با عنوان اقتصاد سیاسی تبدیل شد. به تدریج از اواخر قرن نوزدهم و با ظهور اقتصاددانانی نظیر ریکاردو، جونز و مارشال (دهه ۱۹۱۰)، اقتصاد به عنوان یک علم مستقل مطرح و پایه‌های ریاضی آن قدرت گرفت، اما همچنان علم اقتصاد با بهره گرفتن از مبانی

---

1- Francis Hutcheson

## عقلانیت و اخلاق؛ نقطه کانونی تعامل بانکداری ایران با ... ۱۰۷

اخلاق، هدف خود را برای بهبود وضعیت اقتصادی و کاهش رنج مردم صرف می‌کرد (عیوضلو و قلیچ، ۱۳۹۳).

با تسلط مکتب اثبات‌گرایی در مبانی اقتصاد از دهه ۱۹۳۰ به تدریج علم اقتصاد از موضوع اخلاق فاصله گرفت و به‌عنوان یک علم فنی که بر اساس مبانی ریاضی و اقتصادسنجی کار می‌کرد، مطرح و جایگاه جهان‌شمولی در مجامع علمی پیدا کرد. بررسی رویکردهای اقتصاد نئوکلاسیک و گرایش‌های جدید مکاتب پولی، اقتصاد اطلاعات و تئوری بازی‌ها حکایت از عدم توجه به مساله اخلاق تا آغاز هزاره سوم میلادی داشته است (دادگر، ۱۳۹۴). از حدود دو دهه اخیر، مباحث اخلاق وارد عرصه علوم اقتصادی شد و آمارتیا سن برنده جایزه نوبل اعتقاد دارد که در کنار مباحث فنی و ریاضی که باعث رشد و پویایی کشورها و جوامع بشری شده است، علم اقتصاد باید توجه بیشتری به مباحث اخلاقی کند و عدم توجه به این موضوع مهم باعث کاهش کارکردهای مثبت اقتصاد خواهد شد (سن، ۱۳۹۲).

اخلاق در بانکداری متعارف: با حرکت علوم اقتصادی به سمت بهره‌برداری از اخلاق، بانکداری متعارف نیز به سمت رعایت اخلاق به ویژه پس از بحران‌های مالی دو دهه اخیر در دنیا رهنمون شده است. این اتفاق مهم در حساس‌ترین نماد بازار پول بیشتر از جنبه رعایت اخلاق رخ داده است تا اینکه مبانی اخلاق به مباحث نظری و تئوری‌های پولی و مالی تاثیر بگذارد.

یکی از دلایل اساسی حرکت بانک‌ها به سمت بانکداری اخلاقی، مشکلات و معضلات مطرح شده در وضعیت محیط زیست، شیوع تروریسم و پولشویی، حادثه ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱، بحران مالی سال ۲۰۰۷ و ناآرامی‌های گسترده در مناطق مختلف جهان بوده است. به عبارت دیگر، بانکداری متعارف با بهره‌گیری از علوم رفتاری حاکم بر بازار پول به سمت رعایت اخلاق پیش رفته است تا در مقابل بحران‌های مالی و غیرمالی (که ریشه در تراکنش‌های مالی گسترده دارد) از امنیت، استحکام و اقتدار مالی قابل قبولی برخوردار باشد و افزایش رضایت مشتریان را در پی داشته باشد (دادگر، ۱۳۹۴ و عیوضلو و قلیچ، ۱۳۹۳).

بانکداری اخلاقی را می‌توان نوعی بانکداری متعارف قلمداد کرد که در آن یک سری اصول و ضوابط اخلاقی با صداقت، انصاف و شفافیت اجرا می‌شود. به عبارت روشن‌تر،

همچنان که مبانی اخلاق در اقتصاد به دنبال عملکرد و رفتار درست و صحیح خانوارها، بنگاه های اقتصادی و نهادهای حاکمیتی است، بانکداری اخلاقی نیز در اندیشه نهادینه کردن رفتار صحیح و شفاف متولیان بازار پول است. مبانی بانکداری اخلاقی را می توان در شاخص های اساسی: الف- رعایت قوانین و مقررات، ب- رعایت حقوق تمام ذی نفعان بانک و ج- داشتن مسئولیت اجتماعی خلاصه کرد. هر کدام از شاخص های عنوان شده به متغیرهای کوچک تری تقسیم می شود که در نمودار (۱) به این موارد اشاره شده است.

نمودار (۱): شاخص های کلی عقلانیت و اخلاق در بانکداری متعارف



همانطور که در نمودار (۱) تصریح شده است، معیارها و متغیرهای عقلانیت که در بستر تاریخ تحولات پولی و اقتصادی باعث به وجود آمدن بانکداری شده و اکثر مبانی اخلاقی نیز به دلیل حاکم شدن عقلانیت در آن نهادینه شده است، بانکداری اخلاقی با رویکرد عدالت، انصاف، صداقت و... به دنبال رصد عملکرد بانکداری و ارائه نقطه نظرات اصلاحی برای بهبود عملکرد بانک های عامل، نظام بانکی، بانک مرکزی و در نهایت ارتقای اثربخشی آن در جامعه با هدف توسعه همه جانبه است. به عبارت دیگر، فقدان عقلانیت در امور اقتصادی و مدیریت کلان کشور باعث ایجاد روزه های رانت، سوءاستفاده، اختلال، به هم خوردن قیمت های نسبی، به وجود آمدن فرایندهای غیرعقلانی



در کسب و کار، عدم پایبندی به قراردادها و در نهایت افزایش هزینه مبادله می‌شود که ماحصل آن، بدتر شدن وضعیت اخلاق در جامعه است.

## ۲-۴- اخلاق در اسلام و بانکداری اسلامی

رابطه اخلاق و اقتصاد: اخلاق در ادیان الهی از جایگاه استواری برخوردار است. در دین اسلام و به ویژه پیامبر عظیم‌الشان آن دارای بالاترین جایگاه است به طوری که دلایل اصلی برگزیده شدن حضرت محمد(ص) را پایداری اخلاقی معرفی می‌کنند. اخلاق، عقاید و احکام سه رکن اساسی دین اسلام است که اخلاق به عنوان ستون استوار مطرح بوده و نقش گوه‌رین دارد. اعتقاد بر این است که اخلاق به عنوان اصل و تبلور دین در تمام ادیان آسمانی مطرح است و عقاید و احکام پشتیبانی‌کننده و مدد رسان هستند. براساس همین اصل بنیادی، پیامبر خاتم، ادیان الهی قبلی را می‌پذیرد و شریعت اسلام را دین ابراهیمی معرفی می‌کند.

به عبارت دیگر، عقاید و احکام حاکم بر دین یهود، مسیح و اسلام ممکن است براساس شرایط و مقتضیات زمانی و مکانی به صورت متفاوت مطرح شده باشند، اما همه آن‌ها ستون استوار اخلاق را می‌سازند. در این عرصه هر نظام پشتیبانی‌کننده‌ای (هر دینی) بتواند اخلاق قابل قبول و انسانی ارائه کند و جامعه‌ای بر پایه مبانی اخلاقی بسازد، عملکرد و رویکرد موفق خواهد داشت.

در برخی جوامع ممکن است عقاید و احکام بر اخلاق سنگینی کند و مردم و اجتماع به جای لمس ماحصل دین، یعنی اخلاق نیک، ظواهر و مناسبات دینی و احکام شرعی را مشاهده کنند. این موضوع برای کارکرد دین شبهاتی را به وجود می‌آورد که متأسفانه ممکن است برخی این موضوع را به مبانی دین نسبت دهند در حالی که مجریان دین در این عرصه مقصر هستند (دادگر، ۱۳۹۳). اخلاق در اسلام به نحوی ریشه دوانده است که برخی دین اسلام را به عنوان اخلاق یا مکارم‌الاخلاق معرفی می‌کنند. بنابراین، رعایت مبانی اخلاق با هر پشتیبانی، عین دین‌داری تلقی می‌شود.

اخلاق در بانکداری بدون ربا: برخی از اندیشمندان اقتصاد اسلامی، بانکداری اخلاقی را تا حدودی مشابه بانکداری اسلامی قلمداد می‌کنند (ویلسون، ۱۳۸۱). با وجود نزدیکی بانکداری اسلامی با بانکداری اخلاقی، بررسی عملکرد و کارکردهای بانک‌های اسلامی و

بانک بدون ربای ایران حکایت از تمرکز آن‌ها بر رعایت مبانی شریعت نظیر ربا داشته و در اغلب موارد به ارائه خدمات مالی اخلاقی (که بانک‌های متعارف به آن اعتقاد دارند و رعایت می‌کنند) نمی‌پردازند. در برخی مواقع، سنگینی توجه به رعایت اصول شریعت باعث فراموشی رعایت اصول اخلاق در بانک‌های بدون ربا می‌شود (عیوضلو و قلیچ، ۱۳۹۳).

شهید صدر متفکر بزرگ اقتصاد اسلامی، تحقق بانک اسلامی را در سه شرط: الف- هماهنگی با شریعت اسلام، ب- اجرای موفق در جامعه و ج- تحقق سودآوری به عنوان یک بنگاه اقتصادی معرفی می‌کند. این شرط در بانکداری متعارف نیز کاملاً صادق است و تنها تفاوت آن رعایت شریعت اسلام در عملیات بانکی است. بنابراین، با اضافه کردن موضوع رعایت شریعت در عملیات بانکی، شاخص‌های کلی اخلاق در بانکداری متعارف که در بخش قبلی ارائه شد، می‌توان شاخص‌های کلی اخلاق در بانکداری بدون ربا را در نمودار (۲) ارائه کرد.

نمودار (۲): شاخص‌های کلی عقلانیت و اخلاق در بانکداری بدون ربا



منبع: مطالعات محقق در ادبیات موضوع به ویژه بخش پیشینه تحقیق

## ۵- معیارهای مشترک و اصلی عقلانیت و اخلاق در بانکداری بین‌الملل و

### بانکداری ایران

تعامل بین بانکداری بدون ربای ایران با بانکداری بین‌الملل در دهه اخیر به دلیل تحریم شورای امنیت سازمان ملل، وقایع و رخدادهای مالی، اقتصادی و سیاسی در ایران و جهان دچار خدشه شده و براساس مبانی این مقاله می‌توان با اهداف مشترک عقلانیت و اخلاق

نسبت به ترمیم و استحکام آن تلاش کرد. دلیل اساسی مشکلات ایجاد تعامل بانک‌های ایرانی و خارجی در دوره پسابرجام به غیر از بی‌اعتمادی‌های حاصل از دوره تحریم به مسائل بین‌المللی هزاره جدید و مشکلات نظام بانکی کشور در دهه اخیر قابل مطالعه است. نظام بانکی دنیا در هزاره سوم به دلیل مواجه شدن با حادثه ۱۱ سپتامبر، تروریسم، ناامنی، بحران مالی سال ۲۰۰۷ و گسترش پولشویی و تأمین مالی تروریسم و در نهایت به مدد فناوری‌های نوین برای ایجاد نظام داده‌ای و اطلاعاتی متمرکز و یکپارچه، سخت‌گیری عملیات بانکی خود را به ویژه در عرصه بین‌الملل با کنترل، پایش، تنظیم مقررات جدید و امنیت به موضوع تطبیق بیشتر توجه کرده و نظام بانکی جهان قابل مقایسه با سال ۲۰۰۰ میلادی نیست.

در نقطه مقابل به دلیل تحولات سیاسی و اجتماعی، نظام بانکی ایران به جای حرکت در مسیر قانون‌مندی و رعایت شاخص‌های مالی و بانکی بین‌المللی به سمت مقررات‌زدایی، قانون‌گریزی، کم‌رنگ شدن نظارت و گسترش بی‌مهابای تعداد بانک‌ها و موسسات مالی و اعتباری مجاز و غیرمجاز در بازار پول پیش‌رفته است. بخش بزرگی از دلایل زمان‌بر شدن تعامل بین بانکداری ایران با بانکداری بین‌الملل، موضوع ضوابط و مقررات بین‌الملل است که از طرف نهادهای رسمی بین‌المللی و با عقلانیت کامل تدوین و منتشر شده است. این مقررات به دلیل عقلانی بودن مورد پذیرش نظام بانکی کشور نیز است و اغلب آن‌ها توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به شبکه بانکی کشور ابلاغ شده است. بنابراین، قوانین و مقررات بین‌المللی به عنوان معیارهای اصلی عقلانیت که می‌تواند مبنای ایجاد تعامل قلمداد شود، در این بخش ارائه شده و با توجه به مستندات موجود، وضعیت نظام بانکی کشور با این مقررات تطبیق داده می‌شود. به عبارت دیگر، ضوابط و مقررات به‌عنوان معیارهای عقلانیت مطرح شده و شاخص‌های رعایت حقوق ذی‌نفعان و توجه به مسائل اجتماعی به عنوان نقطه اشتراک بانکداری اخلاقی در بخش بعدی مورد بررسی تجربی قرار می‌گیرد.

پویایی نظام مالی هر کشور باعث بوجود آمدن رشد و رونق اقتصادی و برعکس بحران ناشی از آن باعث زائل شدن نرخ رشد اقتصادی و تنزل سایر متغیرهای کلیدی کلان می‌شود. این بخش از مقاله به دنبال یافتن این واقعیت است که بحران مالی سال ۲۰۰۷ میلادی چه زیان‌هایی به کشورهای توسعه یافته وارد کرده و این کشورها (کشورهایی که

در عرصه نظام مالی بین‌الملل تصمیم‌گیر هستند) را مجبور به اتخاذ تدابیر و مقررات سخت‌گیرانه در عرصه تعاملات بین‌المللی با هدف کنترل عدم تکرار بحران مالی در مقاطع آتی کرده است. همچنین اقتصاد ایران فارغ از تحولات جهانی، چه مسیری را طی کرده و این شکاف به همراه تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل باعث فاصله گرفتن بانکداری ایران از مناسبات و استانداردهای بانکداری متعارف شده و ترمیم آن در دوره پساتحریم را زمان‌بر کرده است. در این بخش به بررسی وضعیت مالی و بانکی کشورهای توسعه یافته و کشور ایران در دوره ۱۵-۲۰۰۳ (که متأثر از بحران مالی (بانکی) بوده) پرداخته و تلاش می‌شود دلایل عقلانی و اخلاقی حاکم بر سخت‌گیری کشورهای و موسسات بین‌المللی جهان در رابطه با ضوابط و مقررات بانک‌ها مورد بررسی قرار گیرد.

#### ۱-۵- وضعیت مالی و بانکی کشورهای توسعه یافته در بحران مالی ۲۰۰۷

بحران مالی سال ۲۰۰۷ میلادی که به دلیل اعتبارات بدون پشتوانه و اوراق بهادارسازی (بیش از حد استاندارد) دارایی‌های بانک‌ها در بازار مسکن ایالات متحده آمریکا ایجاد شده بود، باعث تدوین و اعمال مقررات جدیدی در کشورهای مختلف جهان به‌ویژه در بخش مالی و بانکی شد. برای اینکه تاثیر بحران بر وضعیت کشورهای توسعه یافته مورد بررسی قرار گیرد، شاخص‌های مهم مالی، بانکی و اقتصادی این کشورها در جدول (۱) پیوست نشان داده شده است.

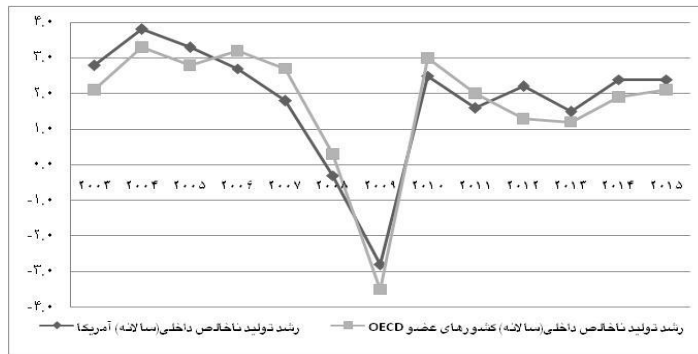
تولید ناخالص داخلی: رشد GDP در ایالات متحده آمریکا تا سال ۲۰۰۷ مثبت بوده و بعد از آن منفی شده است. این نرخ رشد برای کشورهای OECD تا بحران مالی حدود ۳ درصد بوده و در سال ۲۰۰۸ به حدود ۰/۳ درصد و در سال ۲۰۰۹ به ۳/۵- درصد تنزل یافته است. نمودار (۳) به بررسی نرخ رشد GDP در ایالات متحده و کشورهای OECD در دوره ۱۵-۲۰۰۳ می‌پردازد. منفی شدن رشد اقتصادی یک کشور در اثر عملکرد نظام بانکی، یک موضوع اخلاقی است که به مباحث عدالت، توزیع درآمد و ظلم به دهک‌های پایین مربوط می‌شود. عقلانیت ایجاب می‌کند تا با تدوین و اجرای ضوابط و مقررات جدید، حاکمیت و موسسات مالی و نظارتی بین‌المللی جلوی تکرار بحران‌های بانکی را گرفته و اخلاق رعایت شود.

نرخ بیکاری: بحران مالی سال ۲۰۰۷ باعث افزایش بیکاری در کشورهای توسعه یافته و به تبع آن جهان شده است. نرخ بیکاری در نمودار (۵) حکایت از افزایش بیکاری از ۴/۹ درصد در سال ۲۰۰۷ به حدود ۱۰/۳ درصد در سال ۲۰۰۹ شده است و اصلاح این روند تا سال ۲۰۱۵ طول کشیده است. افزایش نرخ بیکاری در کشورهای عضو OECD کمتر از ایالات متحده بوده، اما همانطور که ملاحظه می‌شود در سال ۲۰۱۵ نیز تأثیر بحران بر بیکاری اروپا سایه انداخته و نرخ آن بالاتر از سال ۲۰۰۷ است. یکی از عوامل ترویج بد اخلاقی در جامعه، افزایش نرخ بیکاری است که در اثر بحران بانکی در کشورهای توسعه یافته افزایش بود و عقلانیت حکم می‌کند تا برای بهبود وضعیت اشتغال، از ظرفیت کشور و با بهره‌گیری از عوامل موثر بر بیکاری، نرخ بیکاری کاهش یابد.

نرخ بهره: نرخ بهره در ایالات متحده آمریکا و حوزه یورو بعد از بحران مالی کاهش یافته است، اما همان‌طور که در نمودار (۴) نشان داده شده است، روند کاهش نرخ بهره در ایالات متحده بیشتر از منطقه یورو بوده است. نرخ بهره‌ای که در نظام بانکی ایران به عنوان ربا در کشورهای توسعه یافته تلقی می‌شود به دلیل بحران بانکی روند صعودی پیدا کرده بود که با انجام اقدامات عقلانی و اخلاقی به مسیر طبیعی خود برگشته و دارای نرخ حدود ۲ درصد شده است که پایین‌تر از نرخ کارمزد تسهیلات قرض‌الحسنه در بانکداری ایران است. ربا به عنوان موضوع غیر اخلاقی در کشورهای توسعه یافته با بهره‌گیری از عقلانیت و مکانیسم‌های بازار پول و مناسبات اقتصادی مدیریت شده است.

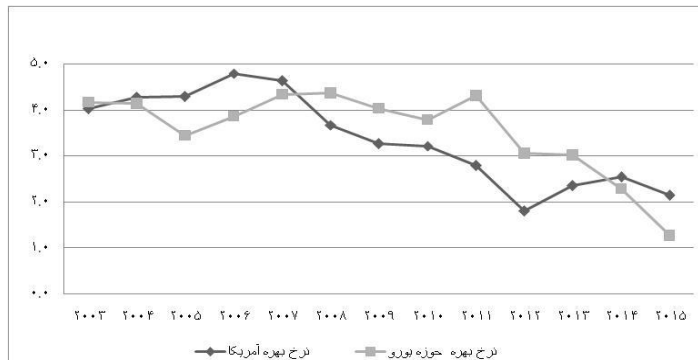
۱۱۴ فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، سال هفدهم، شماره ۶۷، زمستان ۱۳۹۶

نمودار (۳): رشد تولید ناخالص داخلی در ایالات متحده آمریکا و کشورهای عضو OECD در دوره ۲۰۰۳-۱۵



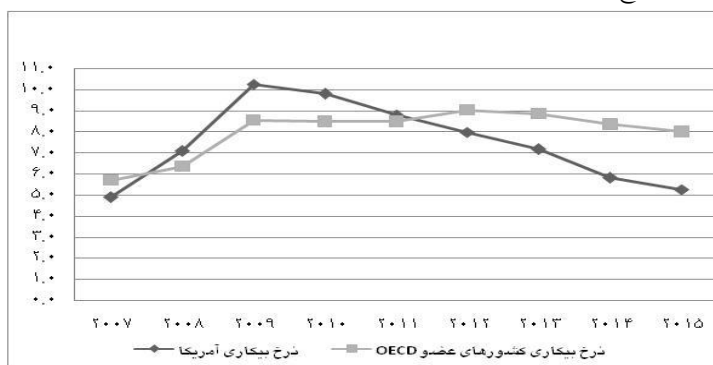
منبع: سایت بانک جهانی

نمودار (۴): تغییرات نرخ بهره در ایالات متحده آمریکا و کشورهای حوزه یورو در دوره ۲۰۰۳-۱۵



منبع: سایت بانک جهانی

نمودار (۵): نرخ بیکاری ایالات متحده آمریکا و کشورهای عضو OECD در دوره ۲۰۰۷-۱۵



منبع: سایت بانک جهانی

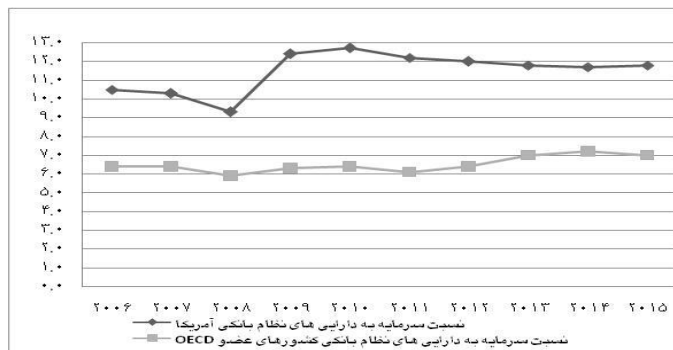
نسبت سرمایه به دارایی‌های نظام بانکی: یکی از شاخص‌های مهم که در کمیته بال به صورت تکمیل تر و با عنوان نسبت کفایت سرمایه مطرح شده است، نسبت سرمایه به دارایی‌های نظام بانکی است که این نسبت در کشورهای توسعه یافته از نسبت خیلی خوبی برخوردار است. چنانچه در نمودار (۶) ملاحظه می‌شود، این نسبت در نظام بانکی آمریکا بالای ۱۰ درصد و نظام بانکی کشورهای عضو OECD بالای ۶ درصد است. بررسی روند تغییرات این نسبت نشان از استحکام خوب نظام بانکی این کشورها دارد. بررسی این نسبت در ایران خیلی پایین تر از استانداردهای جهانی است. این نسبت نیز دارای ریشه‌های عقلانی و اخلاقی است؛ اگر بانکی نسبت مورد نظر را نداشته و به صورت شفاف به مشتری اعلام نکند - در صورت ورشکستگی - حقوق مشتریان و برخی ذی‌نفعان پایمال می‌شود.

نرخ رشد سهام: بازار سرمایه به عنوان نبض اقتصادی کشورهای توسعه یافته مطرح بوده و بررسی این شاخص در نمودار (۷) نشان می‌دهد که در سال ۲۰۰۸، رشد سهام دچار شوک شده است. این شوک در منطقه یورو بیشتر از ایالات متحده بوده و منفی شدن این شاخص در سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ نیز تنها در حوزه یورو رخ داده است. نرخ تورم: نرخ تورم در ایالات متحده و کشورهای OECD در نمودار (۸) نشان داده شده است. این نمودار نشان می‌دهد که بحران مالی تاثیر چندانی بر نرخ تورم کشورهای توسعه یافته نداشته و تنها در سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ به دلیل رکود حاکم، باعث کاهش تورم شده است.

بررسی انجام شده نشان داد شوک اقتصادی بحران مالی سال ۲۰۰۷ که ریشه در عملکرد نظام بانکی داشت، باعث کاهش و منفی شدن رشد اقتصادی و بدتر شدن متغیرهای اقتصاد کلان کشورهای توسعه یافته شده است. این شوک به همراه موضوعات تامین مالی تروریسم، جنگ‌های منطقه‌ای و ... منجر به اهمیت تطبیق در نظام بانکی دنیا و سخت‌گیری بانک‌ها در تعاملات فی‌مابین در اقصی نقاط جهان و با شدن بیشتری با بانکداری ایران در دهه اخیر شده است.

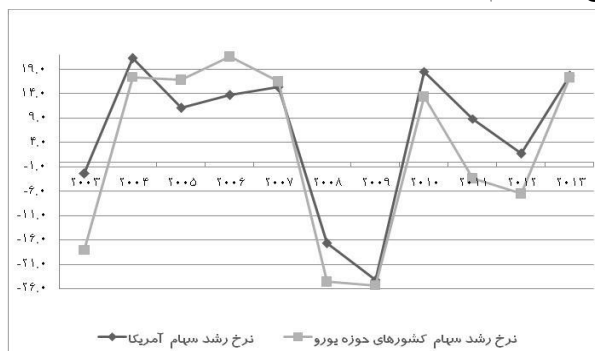
نمودار (۶): نسبت سرمایه به دارایی‌های نظام بانکی ایالات متحده آمریکا و کشورهای عضو OECD

در دوره ۲۰۰۶-۱۵



منبع: سایت بانک جهانی

نمودار (۷): نرخ رشد سهام در ایالات متحده آمریکا و کشورهای حوزه یورو در دوره ۲۰۰۳-۱۵



منبع: سایت بانک جهانی

نمودار (۸): تورم در ایالات متحده آمریکا و کشورهای عضو OECD در دوره ۲۰۰۳-۱۵



منبع: سایت بانک جهانی



## ۲-۵- وضعیت اقتصاد ایران در دوره ۹۳-۱۳۸۲

اقتصاد ایران در دوره ۹۳-۱۳۸۲ دچار تغییرات اساسی در خصوص نوع رویکرد اقتصادی و به تبع آن شاخص‌های مهم اقتصادی و مالی شده است. در دوره ۸ ساله (۹۱-۱۳۸۴)، میزان فروش نفت به دلیل افزایش قیمت جهانی آن، به میزان ۵۸۷ میلیارد دلار بوده که معادل ۵۲ درصد از کل فروش نفت از اول انقلاب تا سال ۱۳۹۱ بوده است (ترازنامه بانک مرکزی - سال‌های مختلف). این میزان فروش نفت و ورود دلارهای حاصل از فروش نفت به اقتصاد کشور و عدم آمادگی اقتصاد ایران برای جذب این منابع سرشار، باعث به وجود آمدن تغییرات اساسی در شاخص‌های مهم اقتصادی و مالی کشور شد که برخلاف انتظارات مبنی بر بهبود وضعیت اقتصادی، شاخص‌های مربوطه حکایت از فقدان تحولات اساسی و حتی در برخی مواقع بدتر شدن معیارهای عملکردی در حوزه اقتصادی و اجتماعی دارد که به بررسی برخی از این متغیرها پرداخته می‌شود. جدول (۲) به بررسی روند متغیرهای مهم اقتصاد ایران در دوره ۹۳-۱۳۸۲ می‌پردازد.

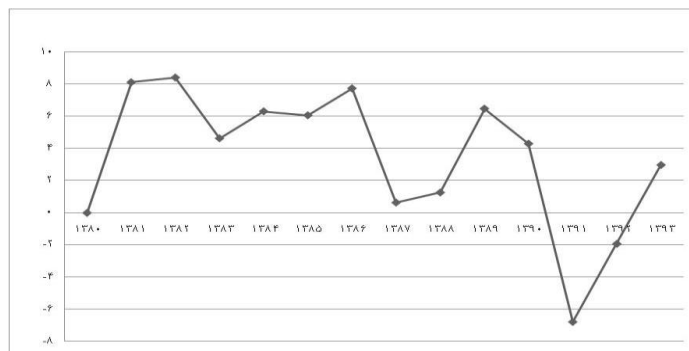
بررسی وضعیت اقتصاد ایران در دوره مورد بررسی نشان می‌دهد که با وجود شعارهای اخلاقی مطرح شده در خصوص مسایل اقتصادی و بانکی، فقدان عقلانیت حاکم در امور اقتصادی و عدم بهره‌گیری از دانش بانکی (به عنوان عقلانیت حاکم بر نظام بانکی)، باعث بدتر شدن وضعیت اقتصادی و بانکی از منظر معیارهای عقلانی و همچنین اخلاقی شده است.

تولید ناخالص داخلی: با بهبود وضعیت درآمدهای نفتی در نیمه دوم دهه ۸۰، رشد اقتصادی مورد انتظار در برنامه‌های توسعه چهارم و پنجم سالانه معادل ۸ درصد پیش‌بینی شده بود. بررسی رشد GDP در دوره ۹۳-۱۳۸۲ در نمودار (۹)، حکایت از نوسانات زیاد در عرصه اقتصادی به ویژه بعد از تحریم شورای امنیت سازمان ملل دارد که در سال ۱۳۹۱ شاهد رشد منفی به میزان ۶/۸ درصد شده است.

بررسی سهم بخش تولیدی و مولد (کشاورزی، نفت و صنعت و معدن) و بخش غیر مولد (خدمات) در دوره مورد مطالعه نشان از افزایش سهم بخش غیر مولد در دوره مورد

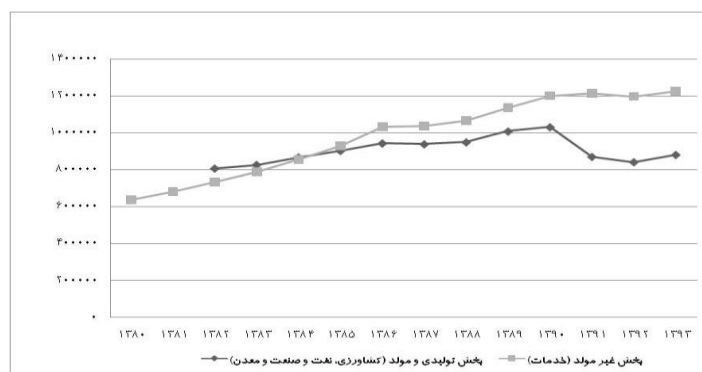
مطالعه از ۴۹ به ۶۰ درصد مطابق روند ثبت شده در نمودار (۱۰) دارد. این در حالی است که تمام سیاست‌های تبلیغ شده دولت وقت، حمایت از تولید و اشتغال بوده است.

نمودار (۹): رشد تولید ناخالص داخلی در دوره ۹۳-۱۳۸۲



منبع: ترازنامه بانک مرکزی، سال‌های مختلف

نمودار (۱۰): روند بخش مولد و غیرمولد در دوره ۹۳-۱۳۸۲



منبع: ترازنامه بانک مرکزی، سال‌های مختلف

ترجیحی شدن نرخ سود تسهیلات اعطایی به بخش غیرمولد: یکی از معیارهای مهم ارزیابی عملکرد نظام بانکی، نحوه حمایت از بخش مولد کشور است. نرخ سود تسهیلات تا سال ۱۳۸۴ براساس بخش‌های اقتصادی تعیین می‌شد و از این سال، نرخ سود تسهیلات اعطایی

به شدت کاهش و تعیین نرخ سود براساس بخش‌های اقتصادی منسوخ شد. تحلیل اثرات سیاست پولی سال ۱۳۸۴ بر بخش مولد مغفول مانده که بخشی از آن در اینجا مورد بررسی قرار می‌گیرد. بر این اساس، اطلاعات اخذ شده از نماگرهای بانک مرکزی، نرخ سود تسهیلات در بخش بازرگانی و خدمات حداقل ۲۱ درصد (که اکثر بانک‌ها با نرخ ۲۵ درصد پرداخت می‌کردند)، بخش صادرات ۱۴ درصد، بخش کشاورزی ۱۳/۵ درصد بخش ساختمان و مسکن ۱۸ درصد و بخش صنعت و معدن ۱۵ درصد بوده است. به عبارت دیگر، تفاوت نرخ سود بخش مولد از غیر مولد حداقل ۱۰ درصد بوده و از این طریق به بخش مولد کشور کمک می‌شد. در سال ۱۳۸۴، نرخ سود یکسان و معادل ۱۶ درصد شده و بخش بازرگانی و خدمات حداقل ۱۶ درصد شد. براساس جدول (۱) در سال ۱۳۸۵ نرخ سود برای تمام بخش‌ها ۱۴ درصد ثابت در نظر گرفته شد.

جدول (۱): نرخ سود تسهیلات در دوره ۱۳۸۳-۵

شرح	صنعت و معدن	ساختمان و مسکن	کشاورزی	بازرگانی و خدمات	صادرات
۱۳۸۳	۱۵	۱۸	۱۳/۵	حداقل ۲۱	۱۴
۱۳۸۴	۱۶	۱۶	۱۶	حداقل ۱۶	۱۶
۱۳۸۵	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴

منبع: نماگرهای بانک مرکزی، سال‌های مختلف

بررسی روند تغییرات سیاسی نشان می‌دهد که با وجود شعارهای حمایت از تولید، نرخ سود در بخش غیرمولد بیش از ۱۰ درصد کاهش یافت و در سایر بخش‌ها تغییرات قابل ملاحظه‌ای ایجاد نشد. نکته مهم اینکه با کاهش شدید نرخ سود تسهیلات در بخش بازرگانی و خدمات، میزان تقاضای تسهیلات در این بخش افزایش یافت و با رانتی شدن نرخ در این بخش، نظام جیره‌بندی بخش تسهیلات را کرد. با رخت بر بستن عقلانیت حاکم بر حمایت از بخش مولد کشور در نظام بانکی، طبیعی است که متولیان بخش حقیقی اقتصاد متضرر شده و از منظر اخلاقی نیز وضعیت بدتر می‌شود که در شاخص بعدی نیز این موضوع مشهود است.

روند تسهیلات پرداختی به بخش مولد: ترجیحی شدن نرخ سود تسهیلات اعطایی بخش غیرمولد از سال ۱۳۸۴ و ظهور بانک‌های خصوصی باعث شد سهم تسهیلات اعطایی بخش مولد کاهش یافته و سهم بخش غیرمولد از تسهیلات اعطایی نظام بانکی افزایش یابد. این موضوع موجب از دست دادن یکی از مهم‌ترین ابزارهای رشد و توسعه اقتصادی در کشور شد که تا دهه ۱۳۸۰ به پویایی بخش مولد اقتصاد ایران کمک می‌کرد.

نکته قابل توجه اینکه، سهم تسهیلات اعطایی سرمایه در گردش در دهه اخیر افزایش یافته و سهم تسهیلات سرمایه ثابت که شاخص مهمی در توسعه بخش‌های مختلف مولد در کشور است، کاهش یافته است.

موضوع مهم دیگر، سوق یافتن تسهیلات بانک‌ها به بخش غیرمولد از سال ۱۳۸۴، عدم حضور فعال بانک‌های خصوصی و خصوصی شده در بخش مولد و پرداخت تسهیلات کوتاه‌مدت با هدف حداکثرسازی سود است که باید در نظام بانکی مورد بررسی دقیق قرار گرفته و نظام تامین مالی کشور در خدمت بخش مولد قرار گیرد (شاکری، ۱۳۹۵).

نمودار (۱۱) به بررسی سهم تسهیلات اعطایی به تفکیک بخش مولد و غیرمولد پرداخته و سهم روندی تسهیلات اعطایی به تفکیک بخش‌های مختلف اقتصادی را به تصویر کشیده است.

نمودار (۱۱): سهم تسهیلات اعطایی به تفکیک بخش مولد و غیرمولد و سهم روندی تسهیلات اعطایی

به تفکیک بخش‌های مختلف اقتصادی ۹۲-۱۳۸۲



منبع: ترازنامه بانک مرکزی، سال‌های مختلف

عقلانیت و اخلاق؛ نقطه کانونی تعامل بانکداری ایران با ... ۱۲۱

نرخ بیکاری: بیکاری در ایران در دهه‌های اخیر دارای نرخ دو رقمی بوده و در سال ۱۳۸۹ به بالاترین سطح خود، یعنی ۱۳/۵ درصد رسیده و به تدریج روند نزولی را طی می‌کند. (نمودار (۱۲))

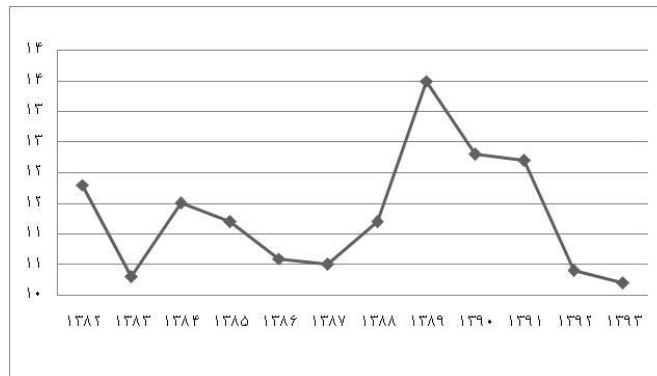
نرخ تورم: تغییرات شاخص قیمت مصرف‌کننده به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۳ در نمودار شماره ۱۳ ترسیم شده و تورم کشور را در سال ۱۳۹۲ معادل ۳۴/۷ درصد ثبت کرده که در دوره بعد از انقلاب، تنها یک سال (۱۳۷۴) نرخ تورم بالاتر از این رقم در سری زمانی آمارهای اقتصادی ثبت شده است.

نرخ سود (بهره): اگر نرخ سود سپرده‌های بلندمدت را به‌عنوان نماینده رسمی نرخ بهره در ایران در نظر بگیریم، روند تغییرات نرخ بهره در نمودار (۱۴) ارائه شده است. نرخ سود واقعی در این دوره با لحاظ نرخ تورم، باعث نوسانات حاکم در این نرخ شده و چنانچه ملاحظه می‌شود - با کنترل نرخ تورم - در سال‌های اخیر شاهد مثبت شدن نرخ سود واقعی در نظام بانکی کشور هستیم.

بازار سهام: تغییرات شاخص قیمت سهام در نمودار (۱۵) نشان داده شده است. چنانچه از این نمودار مشخص است به دلیل بانک محور بودن نظام مالی ایران (کشاورزیان و پاشایی - فام، ۱۳۹۰)، شاخص سهام نماینده خوبی برای ثبت وقایع اقتصادی کشور همانند کشورهای توسعه یافته نیست به طوری که در برخی دوره‌های رونق اقتصادی، شاخص بورس اوراق بهادار دارای روند ثابت یا منفی شده و در دوره‌های رکود اقتصادی، شاخص بورس اوراق بهادار دارای روند ثابت یا مثبت شده است.

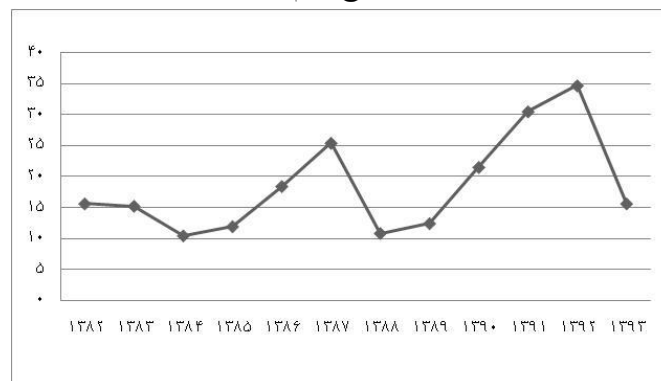
نرخ ارز: نظام تک‌نرخ ارز در اوایل دهه ۱۳۸۰ در نظام بانکی کشور اجرا شد و تا دولت نهم تداوم داشت، اما با تحریم شورای امنیت سازمان ملل و وضعیت اقتصادی کشور، نظام ارزی از ریل نظام تک‌نرخ شناور مدیریت شده خارج شد و به نظام چندنرخ (مرجع، مبادله ای و آزاد) تبدیل شد که این روند تا به امروز تداوم داشته است. روند تغییرات شدید نرخ ارز که از اوایل دهه ۱۳۹۰ باعث کاهش ارزش پول ملی شد و اقتصاد ایران را با نوسانات شدیدی مواجه کرد. نمودار (۱۶) به بررسی روند تغییرات نرخ ارز در دوره مورد مطالعه می‌پردازد.

نمودار (۱۲): تغییرات نرخ بیکاری در دوره ۱۳۸۲-۹۳



منبع: ترازنامه بانک مرکزی، سال‌های مختلف

نمودار (۱۳): تغییرات نرخ تورم در دوره ۱۳۸۲-۹۳



منبع: ترازنامه بانک مرکزی، سال‌های مختلف

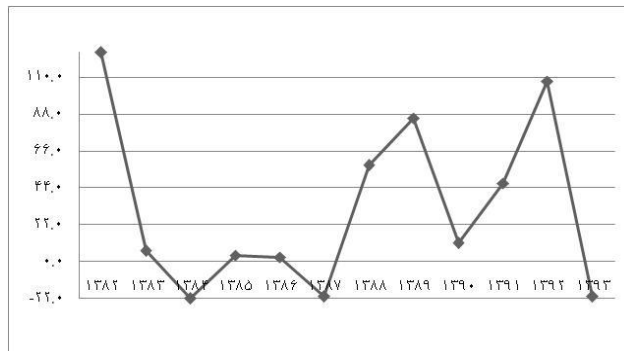
نمودار (۱۴): تغییرات نرخ سود در دوره ۱۳۸۲-۹۳



منبع: ترازنامه بانک مرکزی، سال‌های مختلف

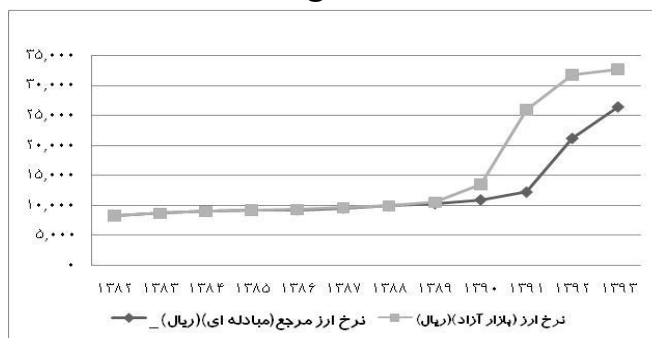
### عقلانیت و اخلاق؛ نقطه کانونی تعامل بانکداری ایران با ... ۱۲۳

نمودار (۱۵): تغییرات شاخص قیمت سهام در دوره ۹۳-۱۳۸۲



منبع: ترازنامه بانک مرکزی، سال‌های مختلف

نمودار (۱۶): روند تغییرات نرخ ارز در دوره ۹۳-۱۳۸۲



منبع: ترازنامه بانک مرکزی، سال‌های مختلف

### ۳-۵- وضعیت پولی و بانکی ایران در دوره ۹۳-۱۳۸۲

مطالعه شاخص‌های امور بانکی در دهه اخیر نشان می‌دهد با باز شدن دست دولت از طریق افزایش درآمدهای حاصل از فروش نفت، بیماری مزمن تورم که به‌طور عمده حاصل فرایند تبدیل دلارهای نفتی به ریال، تحریم شورای امنیت سازمان ملل و بی‌انضباطی مالی دولت بود در این دوره رخ داد و اقتصاد کشور را به بی‌ثباتی و شوک‌های گسترده و در اواخر دوره مورد بررسی (۹۳-۱۳۸۲)، دچار پدیده رکورد تورمی کرده بود. برای اینکه

بحث را روی شاخص‌های پولی و بانکی متمرکز کنیم، تنها آمارها و عملکردهای مرتبط با نظام بانکی ارائه می‌شود.

نقدینگی: تداوم رشد نقدینگی کشور در دوره ۹۳-۱۳۸۲ نیز اتفاق افتاده و از ۶۸۶ هزار میلیارد ریال در سال ۸۳ به ۴۶۰۷ هزار میلیارد ریال در سال ۹۱ رسیده و در دوره ۸ ساله، حدود ۷ برابر افزایش یافته است رشد اجزای نقدینگی در جدول (۳) پیوست برای دوره مورد بررسی ارائه شده است.

پایه پولی: یکی از مهم‌ترین عوامل تورم، افزایش پایه پولی است. اجزای تشکیل دهنده پایه پولی در جدول (۴) پیوست برای دوره ۹۳-۱۳۸۲ ارائه شده است. پایه پولی در دوره مورد بررسی از ۱۲۹ به ۱۳۱۲ هزار میلیارد ریال رسیده است. سهم اجزای پایه پولی در نمودار (۱۷) به تصویر کشیده شده است.

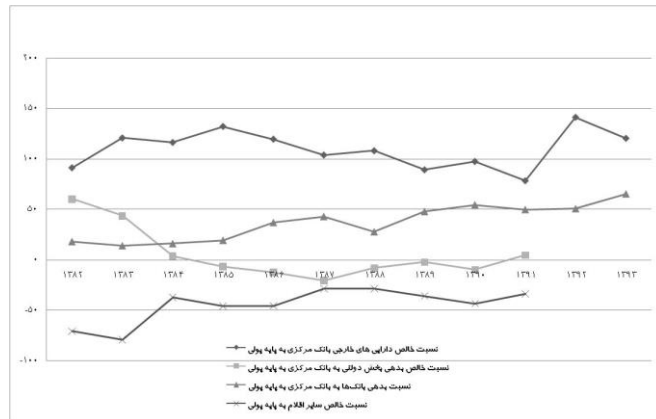
چنانچه در مطالب قبلی اشاره شد، یکی از دلایل افزایش نقدینگی و تورم در کشور، افزایش خالص دارایی‌های خارجی نظام بانکی است. برای اینکه این موضوع بیشتر مورد بررسی قرار گیرد، نسبت خالص دارایی‌های خارجی سیستم بانکی به نقدینگی کشور در دوره ۹۳-۱۳۸۲ در نمودار (۱۸) ارائه شده است. این نسبت در سال ۱۳۸۳ معادل ۳۰ درصد و در سال ۱۳۹۳ معادل ۲۵/۹ درصد شده است.

خالص بدهی بخش دولتی به سیستم بانکی را که می‌توان به‌عنوان یکی از عوامل انضباط مالی مطرح کرد که با وجود افزایش درآمدهای نفتی افزایش یافت. نسبت خالص بدهی بخش دولتی به نظام بانکی به کل نقدینگی در سال ۱۳۸۳ معادل ۹/۲ درصد بوده که در سال ۱۳۹۱ به ۱ درصد کاهش یافته است. نکته قابل تامل در این دوره، تغییر مسیر عدم انضباط مالی دولت از بدهی بخش دولتی به سیستم بانکی، بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی بود، یعنی دولت به بانک‌های عامل و بانک مرکزی فشار آورد تا بیش از منابع خود، تسهیلات در امور کلان (نظیر مسکن مهر) پرداخت کنند به طوری که بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی که در سال ۱۳۸۳ معادل ۲۱ هزار میلیارد ریال بود به ۴۸۸ هزار میلیارد ریال در سال ۱۳۹۱ رسید و نسبت بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی به نقدینگی کل کشور در دوره یاد شده از ۳ به ۱۱ درصد رسید. این نسبت‌ها در نمودار (۱۹) آورده شده است.



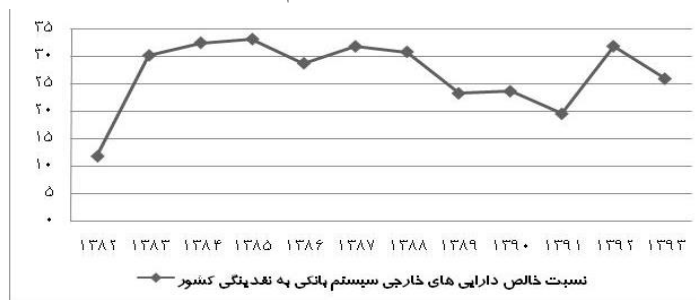
عقلانیت و اخلاق؛ نقطه کانونی تعامل بانکداری ایران با ... ۱۲۵

نمودار (۱۷): نسبت هر یک از اجزای پایه پولی به پایه پولی در دوره ۹۳-۱۳۸۲



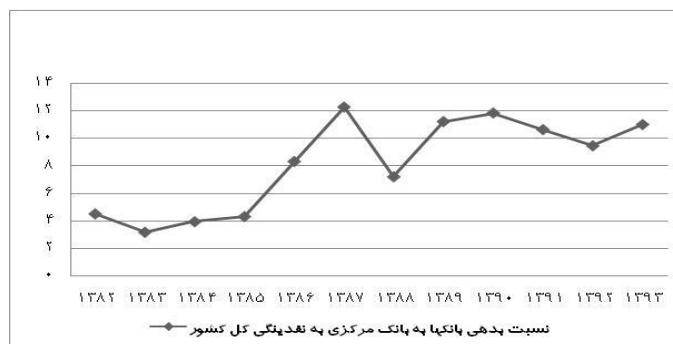
منبع: ترازنامه بانک مرکزی، سال های مختلف

نمودار (۱۸): نسبت خالص دارایی های خارجی سیستم بانکی به نقدینگی در دوره ۹۳-۱۳۸۲



منبع: ترازنامه بانک مرکزی، سال های مختلف

نمودار (۱۹): نسبت بدهی بانکها به بانک مرکزی به نقدینگی کل کشور در دوره ۹۳-۱۳۸۲



منبع: ترازنامه بانک مرکزی، سال های مختلف

هولسمن در کتاب خود با عنوان «اخلاق تولید پول»، موضوع انتشار پول را از دو جنبه، موضوع کاملاً اخلاقی و مرتبط با عدالت قلمداد می‌کند؛ «از یک طرف به نهادهای مدرن تولید پول به نظم قانونی متداول بستگی داشته و به تبع آن با یکی از درونی‌ترین بخش‌های عدالت اجتماعی در ارتباط است و از طرف دیگر، نظم متداول به خودی خود مشکل اصلی است و باعث تورم مداوم می‌شود. انحصارات قانونی، قوانین پول رایج، تعلیق قانونی پرداخت اقساط و بدهی‌ها و در کل قوانین این چنینی به طور سهوی به ابزاری برای بی‌عدالتی اجتماعی تبدیل شده‌اند. این ابزار موجب ایجاد تورم، بی‌مسئولیتی و توزیع نامشروع درآمد آن هم اغلب از سمت فقرا به سوی ثروتمندان است» (هولسمن، ۱۳۹۲).

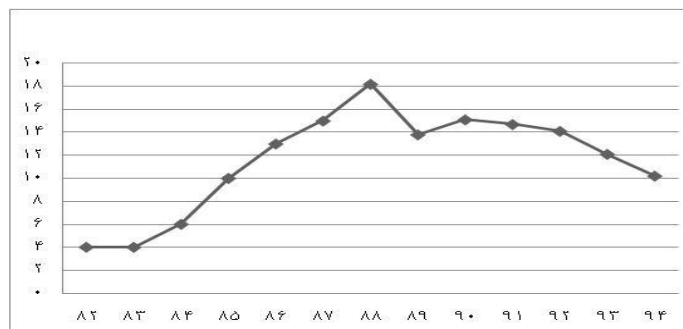
وضعیت بانک‌های دارای مجوز و بدون مجوز: از ابتدای دهه ۱۳۸۰، بانک‌های خصوصی پا به عرصه وجود گذاشتند و به تدریج تعداد این بانک‌ها افزایش یافت به طوری که تعداد بانک‌های کشور از ۹ بانک در سال ۱۳۸۰ به ۳۱ بانک در سال ۱۳۹۳ رسید. البته تعداد موسسات غیرمجاز نیز در این دوره به شدت افزایش یافت و به دلیل فقدان نظارت‌های لازم، نرخ سود حاکم بر این بازار به صورت سلیقه‌ای و بر اساس رقابت‌های ناسالم برای کسب سهم بازاری بالاتر انجام می‌گرفت. برخی از اطلاعات منتشر شده در جراید، میزان سپرده‌های موجود در موسسات اعتباری غیرمجاز را حدود ۱۰ درصد کل نقدینگی ارزیابی می‌کنند که بدون ضوابط خاصی اقدام به خلق پول در جامعه می‌کنند.

نسبت مطالبات غیرجاری به تسهیلات اعطایی: در دوره مورد بررسی (۹۳-۱۳۸۲)، این نسبت روند صعودی داشته و در سال‌های اخیر با افزایش نظارت و در برخی بانک‌ها به دلیل تسهیل در تمدید و تجدید تسهیلات و انتقال سرفصل مطالبات غیرجاری به تسهیلات، روند نزولی پیدا کرده است. این نسبت با استانداردهای جهانی فاصله زیاد دارد به طوری که نسبت مطالبات غیرجاری به تسهیلات اعطایی در نظام بانکی کشورهای توسعه یافته حدود ۲ درصد می‌باشد. نمودار (۲۰)، نسبت مطالبات غیرجاری به تسهیلات اعطایی در دوره ۹۳-۱۳۸۲ را نشان می‌دهد. عدم پایداری مردم به عهد و پیمان و قراردادهای (عقود) به عنوان یکی از مهم‌ترین بداخلاقی‌های اسلام و دنیای مدرن مطرح است که در بانکداری ایران دارای نسبت بسیار بالاتر از شاخص جهانی (حدود ۲ درصد) بوده و حکایت از بداخلاقی خاص از عدم عقلانیت موجود در ضوابط و مقررات و نهادهای حاکم است.

بررسی وضعیت اقتصادی و متغیرهای پولی و بانکی ایران در دهه اخیر نشان می‌دهد، بی‌انضباطی مالی بیشتر شده و همان قدر که نظام بانکی بین‌الملل به سمت اعمال سیاست‌های سخت‌گیرانه تر برای کنترل و نظارت بیشتر پیش رفته، نظام بانکی ایران به سمت

قانون‌گریزی و بدتر شدن نظارت و کم‌توجهی به شاخص‌های نظارتی مهم حرکت کرده است. بررسی انجام شده حکایت از رعایت کمتر حقوق ذی‌نفعان واقعی نظام بانکی و تلفات کمتر نظام بانکی به مسئولیت‌های اجتماعی است که شاخص‌های کلیدی این موارد در مشکلات رشد اقتصادی (با وجود درآمدهای نفتی)، نرخ تورم (فقیر شدن اقشار خاص و بدتر شدن ضریب جینی)، بیکاری، بی‌انضباطی مالی، سوءاستفاده و تخلفات مالی، تغییرات لجام گسیخته نرخ ارز و... نمایان می‌شود. در این قسمت ضمن بررسی شاخص‌های مشترک بانکداری ایران و بانکداری بین‌الملل، اجتناب‌ناپذیر بودن تعامل بانکداری ایران با بانکداری بین‌الملل با رعایت کامل استانداردهای عقلانی و اخلاقی در قالب الزامات کمیته‌های نظارتی بین‌المللی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

نمودار (۲۰): نسبت مطالبات غیرجاری به تسهیلات در دوره ۹۴-۱۳۸۲



منبع: ترازنامه بانک مرکزی، سال‌های مختلف

## ۶- بررسی شاخص‌های مشترک عقلانیت و اخلاق در بانکداری بین‌الملل و

### بانکداری ایران

در بخش پنجم این مقاله، شاخص‌های مشترک عقلانیت و اخلاق بانکداری بین‌الملل و بانکداری ایران به ترتیب در قوانین و مقررات، حقوق ذی‌نفعان و مسئولیت اجتماعی ارائه شد. تنها تفاوت این شاخص‌ها در دو نوع بانکداری مطرح شده، رعایت ضوابط شریعت در عملیات بانکی بدون ربا بوده است که به دلیل عقلانی و اخلاقی بودن معیارهای شریعت به-

ویژه در احکام کسب و کار، تعامل و روابط بانکداری کشور با بانکداری بین‌الملل را محقق می‌سازد. در این بخش متغیرهای مهم و مشترک که از طرف نهادهای مطالعاتی و بین‌المللی دنیا در خصوص بانکداری منتشر شده است و نظام بانکداری بدون ربای ایران نیز آنها را قبول کرده و درصدد عملیاتی کردن آنها است، ارائه شده و مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

ضوابط کمیته بال که به‌عنوان شاخص‌های عقلانی وضع می‌شوند و حاصل دانش بانکی متخصصان این امر است، متأثر از بداخلاقی ایجاد شده در نظام بانکی و تصحیح‌کننده آن قلمداد و همچنین اثرگذار بر کاهش بداخلاقی موجود است. بنابراین شاخص‌های کمیته بال، تنها عقلانی نبوده و در نهایت تلاش در جهت بهبود موضوع اخلاق است تا موضوع عدالت در بانکداری و مهم‌تر از آن در جامعه بهبود یابد.

#### ۱-۶- شاخص‌های اساسی کمیته بال

کمیته بال در سال ۱۹۹۸ اولین ویرایش مقررات نظام بانکی را منتشر کرد. در این مقررات، موضوع سرمایه بانک‌ها به‌عنوان یک موضوع مهم در بازپرداخت بدهی بانک‌ها مطرح شده و نسبت کفایت سرمایه برای سنجش میزان استحکام مالی بانک‌ها مطرح شد. فرمول محاسبه کفایت سرمایه به شرح ذیل معرفی و حداقل میزان این نسبت، ۸ درصد اعلام شد.

$$\text{نسبت کفایت سرمایه (بال ۱)} = \frac{\text{سرمایه پایه}}{\text{دارایی‌های موزون شده به ریسک}}$$

این نسبت در ویرایش دوم مجموعه مقررات کمیته بال (۲۰۰۱) اصلاح شد و فرمول نسبت کفایت سرمایه به صورت جامع و به صورت زیر ارائه و حداقل نسبت کفایت سرمایه همان ۸ درصد باقی ماند.

$$\text{نسبت کفایت سرمایه (بال ۲)} = \frac{\text{سرمایه بانک}}{\text{ریسک اعتباری + ریسک عملیاتی + ریسک بازار}}$$

در بازنگری سوم مقررات بال، حداقل این نسبت به ۱۲ درصد افزایش یافت و بانک‌های دنیا متعهد شدند خود را تا سال ۲۰۱۸ به این نسبت برسانند.

### بررسی کفایت سرمایه در بانک‌های برتر جهان و بانک‌های کشور

کفایت سرمایه در ایران: بانک‌های ایران تا به حال به دلیل فقدان ابزارهای لازم برای محاسبه ریسک‌های مطرح شده در مخرج کسر کفایت سرمایه، نتوانسته‌اند کفایت سرمایه مدنظر ویرایش دوم کمیته بال را محاسبه کنند. به عبارت دیگر، اگر یک بانک خارجی بخواهد در خصوص میزان کفایت سرمایه که مشتمل بر ریسک‌های مرتبط در بانک‌های ایرانی است، اطلاعات کسب کند و در خصوص مراودات مالی با ایران تصمیم بگیرد، این موضوع امکان‌پذیر نبوده و بانک‌های جهان چشم‌انداز روشنی از میزان ریسک بانک‌های کشور ندارند. محاسبات انجام شده بر مبنای ویرایش اول کمیته بال در اکثر بانک‌های ایران به دلیل فقدان آمار و اطلاعات لازم در خصوص شناسایی دارایی‌های موزون شده به ریسک به صورت دقیق محاسبه نمی‌شود. نکته مهم اینکه بانک‌ها بر مبنای استانداردهای حسابداری ملی، الزامی به افشای این نسبت ندارند، اما محاسبات انجام شده در خصوص بانک‌های ایرانی از طریق صورت‌های مالی در دسترس (به صورت تقریبی) حکایت از پایین بودن نسبت کفایت سرمایه در متوسط نظام بانکی کمتر از نصف حداقل الزامات کمیته بال است. نسبت سرمایه به کل دارایی‌های برخی از بانک‌های منتخب که به عنوان نماینده کفایت سرمایه می‌توان قلمداد کرد، در جدول (۲) ارائه شده است.

جدول (۲): نسبت سرمایه به کل دارایی‌های بانک‌های منتخب ۱۳۹۱

شرح	نسبت سرمایه به کل دارایی‌ها (درصد)
ملت	۲/۸
تجارت	۲/۹
سپه	۲/۳
صادرات	۳/۲
پارسیان	۳/۶
پاسارگاد	۱۰/۱
سامان	۵/۰
سرمایه	۳/۵
اقتصاد نوین	۴/۲
میانگین	۴/۲

منبع: محاسبه انجام شده از صورت‌های مالی بانک‌های منتخب

۱۰ بانک برتر جهان: بانک‌های مطرح دنیا، نسبت کفایت سرمایه را براساس ضوابط کمیته بال ۲ استخراج می‌کنند و براساس مبانی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی<sup>۱</sup> اقدام به افشای آن در صورت‌های مالی می‌کنند. برای اینکه وضعیت بانک‌های برتر جهان در خصوص رعایت کفایت سرمایه (مدیریت ریسک‌های حاکم در بانک مورد گزارش) مورد بررسی قرارگیرد، براساس رتبه‌بندی موسسه بنکر<sup>۲</sup>، ۱۰ بانک اول انتخاب و در جدول (۵) پیوست ارائه شد.

آمار و اطلاعات جدول نشان می‌دهد میزان سرمایه این بانک‌ها بسیار زیاد بوده و از بودجه سالانه کشور ایران بیشتر است. نکته مهم اینکه کفایت سرمایه محاسبه شده که بر اساس ضوابط باید در سال ۲۰۱۸ به ۱۲ درصد برسد در سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ بالاتر از حداقل الزامات تعیین شده است.

#### ۲-۶- سایر الزامات کمیته بال و نهادهای بین‌المللی

کمیته بال ۲ در سه رکن تنظیم شده است؛ رکن اول آن مربوط به حداقل الزامات سرمایه است که به تشریح کفایت سرمایه و ریسک‌های مرتبط و نحوه مدیریت آنها می‌پردازد. رکن دوم کمیته بال ۲ به ضوابط و مقررات نظارتی اختصاص دارد و رکن سوم آن به مقررات افشا می‌پردازد. هر کدام از ارکان الزامات کمیته بال مجموعه مقررات، اصول و رهنمودهایی را شامل می‌شود که رعایت آنها باعث مدیریت و کاهش ریسک‌های مرتبط بانکداری می‌شود. برخی از مهم‌ترین ضوابط و مقررات کمیته بال و نهادهای بین‌المللی که مورد پذیرش نظام بانکداری بدون ربای ایران نیز است (به بانک‌ها ابلاغ شده است) در ذیل ارائه می‌شود.

بهبود حاکمیت شرکتی<sup>۳</sup> در واحدهای بانکی<sup>۱</sup>: کمیته نظارت بانکی بال در سال ۲۰۰۶ میلادی نسبت به انتشار بهبود مالکیت شرکتی در واحدهای بانکی اقدام و مدیریت کل

---

1- International Financial Reporting Standards (IFRS)

2- Banker

3- Corporate Governance

نظارت بر بانک‌ها و موسسات اعتباری بانک مرکزی در دی‌ماه ۱۳۸۸ نسبت به ترجمه و ابلاغ آن به نظام بانکی اقدام کرده است. بانک مرکزی در سال ۱۳۹۵ ترجمه جدید حاکمیت شرکتی (ویرایش ۲۰۱۵) را به بانک‌ها ابلاغ و در حال انجام اقدامات لازم برای ایجاد ساز و کارهای متناسب و بومی کشور می‌باشد. حاکمیت شرکتی در دهه اخیر مورد توجه صاحب‌نظران سازمانی، حقوق‌دانان، مدیران، مالکان، بازرسان و سایر ذی‌نفعان شرکت‌ها قرار گرفته است. این ضوابط در نهادهایی که سامانه‌های یکپارچه و متمرکز برای رصد کردن ریسک‌های مختلف ندارند از اهمیت بیشتری برخوردار است.

حاکمیت شرکتی باعث جلب اعتماد عمومی شده و تعیین‌کننده ساختار و روابط بین ذی‌نفعان بوده و اهداف سازمان را مشخص، نحوه رسیدن به اهداف را تعیین و پایش عملکرد عناصر سازمان را بر عهده دارد. اصول حاکمیت شرکتی در هشت بند به شرح ذیل قابل تلخیص است:

- ۱- صلاحیت و شایستگی اعضای هیات مدیره
- ۲- تایید اهداف راهبردی و ارزش‌های ابلاغ شده
- ۳- تدوین خط‌مشی‌های روشن و مسئولیت پاسخگویی برای کل عناصر سازمان
- ۴- اطمینان از انطباق عملکرد مدیریت ارشد با سیاست‌های هیات مدیره
- ۵- استفاده و اخذ گزارش هیات مدیره از حوزه‌های نظارتی
- ۶- اطمینان هیات مدیره از رعایت خط‌مشی‌ها و رویه‌های جبران خدمات کارکنان
- ۷- اداره امور بانک به شیوه‌های شفاف
- ۸- شناخت هیات مدیره از ساختار عملیاتی بانک

چنانچه ملاحظه می‌شود موارد فوق به همراه یکسری مقررات تکمیلی ارائه شده در این سند تنها به خاطر بهبود حاکمیت شرکتی در بانک‌ها تدوین شده است.

در نظام بانکی ایران به ویژه در بانک‌های دولتی حاکمیت شرکتی اجرا نشده است تا اینکه رهنمودهایی برای بهبود داشته باشد. در بانک‌هایی که حاکمیت شرکتی به صورت ناقص اجرا می‌شود، اصول حاکم بر حاکمیت شرکتی رعایت نشده و بدیهی‌ترین موضوع که ارتباط با شفافیت و افشای اطلاعات مالی (به دلایل مختلف از جمله فقدان بانک‌های

---

۱- هر کدام از اسناد مطرح شده در این بخش، مجموعه مفصل و جامعی هستند که به گزیده‌ای از آن‌ها اشاره می‌شود.

اطلاعاتی متمرکز و یکپارچه) دارد با عنایت به ضوابط حاکم بر نظام بانکی رعایت نمی‌شود. اگر در تعامل ایران با سایر بانک‌های دنیا، موضوع رعایت حاکمیت شرکتی مورد نظر بانک‌های خارجی باشد، اطمینان دارد هیچ کدام از بانک‌های کشور دارای استانداردهای مورد نظر نیستند.

حسابرسی داخلی در بانک‌ها: کمیته نظارت بر بانکداری بال در سال ۲۰۱۲ میلادی اقدام به انتشار ضوابط «حسابرسی داخلی در بانک‌ها» کرد و بانک مرکزی در سال ۱۳۹۳ آن را به نظام بانکی ابلاغ کرد. حسابرسی داخلی یکی از ارکان استقرار حاکمیت شرکتی در بانک‌ها است. بانک‌ها باید دارای واحد حسابرسی داخلی همراه با اختیار، استقلال، جایگاه مناسب و منابع کافی باشند. رعایت این ضوابط برای بانک‌هایی که حاکمیت شرکتی را (بصورت کامل) اجرا نکرده‌اند، غیرممکن بوده و در بانک‌های ایرانی به صورت شکلی ایجاد شده است.

تطبیق و کارکرد آن در بانک‌ها: در سال ۲۰۰۵ سندی تحت عنوان تطبیق و کارکرد آن در بانک‌ها از طرف کمیته نظارت بر بانکداری بال منتشر شد و ریسک تطبیق مورد تاکید قرار گرفت. در این سند مهم، مسئولیت‌های هیأت مدیره و مدیران ارشد در مورد تطبیق، ضوابط حاکم بر ایجاد و اداره واحد تطبیق، منابع، وظایف، مسائل برون مرزی، برون سپاری و ارتباط با حسابرسی داخلی تشریح شده است.

موضوع کلی ریسک تطبیق، انجام بررسی‌های لازم برای شناسایی، اندازه‌گیری و ارزیابی ریسک‌های عملیاتی، اعتباری، بازاری و نقدینگی بوده و تلاش می‌کند مقرره‌های ابلاغ شده از نهادهای ذی ربط را با عملکرد شاخص‌های مرتبط انطباق داده و گزارش دهی کند. این واحد در بانک‌های کشور ایجاد شده، اما به دلیل فقدان بسترهای لازم برای شناسایی ریسک‌های بانکی در حال حاضر از کارایی لازم برخوردار نیست. بانک‌های خارجی در شروع مراودات خود با بانک‌های ایرانی، خواهان مطلع شدن از میزان ریسک تطبیق هستند که در بانک‌های کشور قابل محاسبه نیست.

پیشگیری از سوءاستفاده عوامل جنایتکار از نظام بانکی جهت پولشویی: کمیته نظارت بانکی بال در سال ۱۹۹۸ اقدام به انتشار این سند کرد و بانک مرکزی در بهمن ماه ۱۳۸۴ نسبت به ترجمه و انتشار آن اقدام کرد. پولشویی فرایندی است که طی آن عوامل جنایتکار



### عقلانیت و اخلاق؛ نقطه کانونی تعامل بانکداری ایران با ... ۱۳۳

سعی می‌کنند با پنهان ساختن ماهیت و منشأ غیرقانونی مال حاصل از ارتکاب جرم، ظاهری قانونی به آن دهند. بانک‌ها و موسسات مالی، بستر اصلی برای انجام این اقدام هستند. این موضوع در ایران با تصویب قانون مبارزه با پولشویی به صورت جدی مطرح شده و در بانک‌ها واحدی به همین نام در سال‌های اخیر ایجاد شده و در حال تکامل هستند.

ایران به دلیل نداشتن بسترهای فناوری مطلوب و سامانه‌های متمرکز و یکپارچه، در اجرای ضوابط حاکم بر این سند تلاش می‌نماید. بدیهی است تا رسیدن کشور به استانداردهای جهانی در مسیر مبارزه با پولشویی فاصله وجود دارد که فقدان اطلاعات هویتی تمام مشتریان بانک‌ها به صورت شفاف و کامل یکی از مهم‌ترین چالش‌های نظام بانکی در این عرصه است.

بهبود شفافیت در بانک: یکی از اسناد خیلی مهم کمیته نظارت بر بانکداری بال که در سال ۱۹۹۸ منتشر شده و در سال ۱۳۸۵ از طرف بانک مرکزی ترجمه و به نظام بانکی ابلاغ شده است، تاکید بر «بهبود شفافیت در بانک‌ها» است. در این سند، نقش افشای عمومی در ارتقای ایمنی و سلامت، نقش ناظران بانکی در بهبود شفافیت، ویژگی‌های کیفی اطلاعات شفاف (اهمیت، جامعیت، به هنگام بودن، معتبر بودن و قیاس‌پذیری)، توصیه‌های ارتقای شفافیت در بانک‌ها (عملکرد و وضعیت مالی، راهبردهای مدیریت ریسک، منابع در معرض ریسک، خط‌مشی‌های حسابداری و اطلاعات در زمینه امور کاری، مدیریت و حاکمیت شرکتی) با هدف حرکت به سمت افزایش شفافیت و کاهش مخاطرات مربوطه برای مدیریت ریسک ارائه شده است. در این بخش نیز نظام بانکی ایران کارهای زیادی را انجام داده، اما با استانداردهای جهانی در خصوص شفافیت و افشای اطلاعات مالی فاصله دارد. کمیته بال انتشارات دیگری نیز در خصوص بهبود عملکرد و پایش بانک‌ها منتشر کرده است که از ارائه آن‌ها صرف نظر می‌شود.

### ۳-۶- ضوابط و مقررات داخلی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

بانک‌های بین‌المللی برای تعامل و همکاری با بانک‌های بدون ربای ایران، نه تنها به استانداردها و ضوابط بین‌المللی تدوین شده از طرف نهادهای مالی و پولی بین‌المللی توجه

می‌کنند، بلکه ضوابط و مقررات داخلی هر کشور را که بر مبنای عقلانیت و اخلاق تدوین و ابلاغ شده است، توجه کرده و نظارت بر نحوه اجرای آن را رصد می‌کنند. بانک مرکزی دستورالعمل‌ها و نسبت‌های نظارتی خاصی را برای اجرا در بانک‌های عامل کشور ابلاغ کرده است که در این بخش به بررسی نحوه اجرای آنها پرداخته می‌شود. به عبارت دیگر، در این بخش، رعایت ضوابط و مقررات مهم داخلی که از لحاظ ریسک‌های مالی و بانکی دارای اهمیت هستند و نهادهای برون سازمانی با بررسی این شاخص‌ها در خصوص تعامل و همکاری با بانک‌های کشور تصمیم‌گیری می‌کنند. بدیهی است اگر بانکی ضوابط داخلی تدوین شده از طرف مقام نظارتی را رعایت نکند، احتمال عدم رعایت مقررات بین‌المللی و افزایش ریسک‌های مرتبط افزایش خواهد یافت. اطلاعات مالی مورد بررسی در شاخص‌های زیر از ترازنامه بانک مرکزی و بانک‌ها استخراج شده است.

نسبت مانده خالص دارایی‌های ثابت به حقوق صاحبان سهام: حقوق صاحبان سهام در بانک‌های عامل به منزله آورده نقدی سهامداران مطرح است که مصرف آن در بخش دارایی‌های ثابت باعث افزایش ریسک بانک می‌شود. بر اساس بخشنامه‌های بانک مرکزی نسبت مانده خالص دارایی‌های ثابت به حقوق صاحبان سهام نباید بیش از ۷۵ درصد باشد. بررسی ترازنامه بانک‌های کشور حکایت از عدم رعایت این نسبت در اغلب بانک‌های دولتی و غیردولتی دارد، یعنی بانک‌های کشور حقوق صاحبان سهام خود را بیش از حد استاندارد برای خرید دارایی‌های ثابت (دارایی‌های بدون بازده) اختصاص داده‌اند.

نسبت سرمایه‌گذاری در سهام شرکت‌ها و سایر اوراق بهادار: بر اساس ضوابط بانک مرکزی، مجموع سرمایه‌گذاری‌های بی‌واسطه و باواسطه هر بانک در سهام و اوراق بهادار نباید از ۴۰ درصد سرمایه پایه موسسه اعتباری بیشتر باشد و برای هر شخص حقوقی نباید بیش از ۱۰ درصد سرمایه پایه بانک باشد. این نسبت نظارتی با هدف محدود کردن فعالیت‌های بنگاه‌داری بانک‌ها تدوین و در سال ۱۳۸۶ به بانک‌های دولتی و خصوصی ابلاغ شده است. با توجه به محدودیت افزایش سرمایه در بانک‌های دولتی (به دلیل سهامدار بودن دولت، وضعیت مالی دولت در سال‌های اخیر و مقاومت برخی از این

بانک‌ها در واگذاری شرکت‌های وابسته) رعایت این نسبت در بانک‌های دولتی با مشکل مواجه بوده و حتی در بانک‌های خصوصی نیز این نسبت رعایت نمی‌شود.

سقف فردی مجموع تسهیلات و تعهدات کلان برای هر بانک: پرداخت تسهیلات و ایجاد تعهدات بیش از حد استاندارد به یک فرد یا ذی‌نفع واحد باعث ایجاد مخاطراتی برای بانک می‌شود و بانک مرکزی برای کنترل و مدیریت این مساله، اقدام به تعیین سقف فردی برای پرداخت تسهیلات و ایجاد تعهدات به هر ذی‌نفع واحد بر اساس سرمایه هر بانک کرده است. حداکثر مجموع تسهیلات و تعهدات به هر ذی‌نفع واحد نباید از ۲۰ درصد سرمایه پایه هر بانک تجاوز کند. بررسی این نسبت در بانک‌های کشور حکایت از رعایت آن در بانک‌های دولتی و عدم رعایت آن در بانک‌های خصوصی به دلیل پرداخت تسهیلات و تعهدات به اشخاص وابسته خود دارد.

سقف کلی مجموع تسهیلات و تعهدات کلان هر بانک: تسهیلات و تعهدات کلان هر بانک با شاخص ۱۰ درصد سرمایه پایه مشخص می‌شود. به عبارت دیگر، چنانچه مجموع تسهیلات اعطایی و تعهدات ایجاد شده برای هر ذی‌نفع واحد از ۱۰ درصد سرمایه پایه بانک تجاوز نماید، به‌عنوان تسهیلات و تعهدات کلان شناخته می‌شود. بر اساس ضوابط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران کل تسهیلات و تعهدات پرداختی هر بانک در قالب تسهیلات و تعهدات کلان نباید بیش از ۸ برابر سرمایه پایه آن بانک باشد. بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد، این نسبت در بانک‌های خصوصی به دلیل پرداخت تسهیلات و تعهدات کلان به اشخاص وابسته و مرتبط کمتر رعایت شده است.

نرخ سود مصوب شورای پول و اعتبار: یکی از مهم‌ترین متغیرهای بازار پول در ایران، نرخ سود سپرده‌ها و تسهیلات است که سالانه از طرف شورای پول و اعتبار مصوب و از طرف بانک مرکزی به بانک‌ها ابلاغ می‌شود. با وجود ثابت بودن نرخ سود برای تمام بانک‌های عامل به دلیل فقدان نظارت برای رعایت آن، پرداخت نرخ‌ها سود متفاوت به ابزار رقابت (ناسالم) بین بانک‌ها برای تجهیز منابع و افزایش سهم بازاری تبدیل شده است. هر بانکی از نرخ مصوب عدول کرده و نرخ بالاتری به سپرده‌گذار پرداخت کند، منابع بیشتری جمع کرده و سهم بازاری خود را افزایش می‌دهد و برعکس بانک‌های منضبط محدود شده و

اندازه بازاری خود را کاهش می‌دهند. عدم رعایت نرخ سود در نظام بانکی نشان از فقدان نظارت در بازار پول کشور است.

خالص وضعیت باز ارزی: براساس ضوابط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۰)، حد مجاز وضعیت باز ارزی (دارایی‌های تسعیر شده ارزی منهای بدهی‌های تسعیر شده ارزی) برای هر ارز (مثبت یا منفی) حداکثر به میزان ۱۰ درصد سرمایه پایه بانک و حد مجاز وضعیت باز ارزی برای مجموع ارزها (مثبت یا منفی) حداکثر به میزان ۳۰ درصد سرمایه پایه بانک است. با توجه به تحریم شورای امنیت سازمان ملل در سال‌های اخیر و پایین بودن میزان تعهدات بانک در سایر بانک‌های جهان، این نسبت در بانک‌های داخلی معمولاً رعایت می‌شود.

#### ۷- نتیجه‌گیری و پیشنهادهای سیاستی

۱- تمرکز بر عقلانیت و اخلاق در بانکداری ایران به‌عنوان نقطه کانونی تعامل با بانکداری بین‌الملل مطرح است. بر این اساس، رعایت استانداردهای عقلانیت و اخلاق که در بانکداری متعارف رعایت می‌شود باید در بانک‌های ایران نیز رعایت شده و با ایجاد زمینه‌های مشترک برای ارزیابی و پایش ریسک‌های مختلف حاکم بر بانکداری به سمت روابط مستحکم و پایدار با بانک‌های متعارف بین‌المللی پیش رفت.

۲- بانکداری ایران و بانکداری متعارف به دلیل داشتن منطق عقلانی و در دهه‌های اخیر به دلیل توجه اقتصاد و بانکداری به بحث مهم اخلاق، دارای مشترکات نظری فراوانی هستند که می‌تواند مبنای تعامل و همکاری قرار گیرد.

۳- شاخص‌های کلی عقلانیت و اخلاق استخراج شده در بانکداری ایران و بانکداری متعارف در این مقاله به سه بخش: الف- قوانین و مقررات (قوانین داخلی، قوانین بین‌المللی، رعایت شاخص‌های مالی و بین‌المللی)، ب- حقوق ذی‌نفعان: (سهامداران، مشتریان، کارکنان و نهادهای مرتبط) و ج- مسئولیت اجتماعی (محیط زیست، رفاه اجتماعی، رشد و توسعه و اشتغال) تقسیم می‌شود. تنها تفاوت بانکداری بدون ربای ایران در رعایت شاخص‌های استخراج شده، پایش این شاخص‌ها در حیطه اصول و ضوابط شریعت است.

## عقلانیت و اخلاق؛ نقطه کانونی تعامل بانکداری ایران با ... ۱۳۷

به دلیل مبتنی بودن احکام کسب و کار شریعت با عقلانیت و پویایی آن در دوره‌های مختلف با هدف کسب منافع، اصول و ضوابط شریعت به عقلانیت و اخلاق حاکم کمک کرده و باعث ارتقای سطح استانداردها می‌شود.

۴- بررسی تجربی انجام شده در خصوص متغیرهای کلان مالی و بانکی ایالات متحده آمریکا، کشورهای عضو OECD و کشورهای حوزه یورو در دوره ۱۵-۲۰۰۳ نشان داد که بحران مالی سال ۲۰۰۷ در کشورهای توسعه یافته از جمله ایالات متحده آمریکا، باعث شکست در شاخص‌های مالی و اقتصادی از جمله تولید ناخالص داخلی، نرخ بهره، نرخ بیکاری، نسبت سرمایه به دارایی‌های نظام بانکی و شاخص سهام شده و بر این اساس ضوابط و مقررات حاکم بر بانکداری دنیا به دلیل مصون ماندن از ریسک‌های بانکداری، در دهه اخیر افزایش یافته و سخت‌گیرانه‌تر شده است.

۵- بررسی تجربی انجام شده بر متغیرهای پولی، مالی و اقتصادی ایران در دوره ۹۳-۱۳۸۲ نشان داد که با وجود افزایش درآمد حاصل از فروش نفت و انتظار بهبود شاخص‌های اقتصادی به دلایل مختلف تأثیر این شاخص در متغیرهای تولید ناخالص داخلی، نرخ تورم، نرخ بیکاری و نرخ ارز بدتر شده و به دلیل کاهش نظارت و پایش عملکرد در نظام بانکی، ضوابط و مقررات کم‌رنگ شده و بر خلاف ضوابط بانکداری در دنیا، مسیر عدم رعایت استانداردهای بین‌المللی و حتی ملی را طی کرده است. این موضوع با بررسی عملکرد شاخص‌های مالی نقدینگی، پایه پولی، نسبت‌های پایه پولی به نقدینگی، تعداد بانک‌های دارای مجوز و بدون مجوز و نسبت مطالبات غیرجاری به تسهیلات اعطایی در دوره مورد مطالعه استخراج شده است.

۶- شاخص‌های مشترک عقلانیت و اخلاق در بانکداری بین‌الملل و بانکداری ایران بررسی شد و شاخص‌های اساسی کمیته بال نظیر نسبت کفایت سرمایه در بانک‌های برتر جهان و برخی بانک‌های کشور مورد بررسی قرار گرفت. نتایج این بررسی حکایت از ضعف بودن این نسبت در ایران و عدم اجرای ضوابط بال ۲ در خصوص نحوه محاسبه کفایت سرمایه دارد و برای ایجاد تعامل با بانکداری بین‌الملل، بانک‌های ایرانی باید به

سمت رعایت ضوابط و استانداردهای کمیته بال و کاهش ریسک‌های نقدینگی، عملیاتی، اعتباری و بازاری حرکت کنند.

۷- بررسی سایر الزامات کمیته بال و نهادهای بین‌المللی نظیر بهبود حاکمیت شرکتی، حسابرسی داخلی بانک‌ها، تطبیق و کارکرد آن در بانک‌ها، پیشگیری از سوء استفاده عوامل جنایتکار از نظام بانکی جهت پولشویی و بهبود شفافیت در نظام بانکی ایران حکایت از عدم رعایت این ضوابط در بانک‌های ایران با وجود ابلاغ این ضوابط از طرف بانک مرکزی در دهه ۱۳۸۰ دارد.

۸- بررسی ضوابط و الزامات داخلی ابلاغ شده بانک مرکزی نظیر نسبت مانده خالص دارایی‌های ثابت به حقوق صاحبان سهام، نسبت سرمایه‌گذاری در سهام شرکت‌ها و سایر اوراق بهادار، سقف فردی و کلی تسهیلات و تعهدات کلان هر بانک، نرخ سود بانکی و خالص وضعیت ارزی نشان داد که اغلب بانک‌های ایرانی، ضوابط داخلی مرجع نظارتی خود (بانک مرکزی) را نیز رعایت نمی‌کنند این موضوع در تعامل و روابط با بانکداری بین‌المللی برای نظام بانکی کشور به عنوان نقطه ضعف مطرح است.

۹- برای گسترش تعامل و روابط بانکداری بدون ربای ایران با بانکداری بین‌الملل باید با تکیه بر شاخص‌های مشترک عقلانیت و اخلاق که در قالب استانداردها و ضوابط داخلی و بین‌المللی به نظام بانکی، ابلاغ شده است به سمت رعایت ضوابط و مقررات حاکم بر بانکداری دنیا حرکت کرد. نقطه شروع تعامل با دنیا در عرصه بانکداری، نشان دادن پایین بودن ریسک‌های حاکم در نظام بانکی ایران از طریق ضوابط کمیته بال و افشای آن مطابق استانداردهای بین‌المللی است. این اقدامات باعث بهبود روابط فارغ از مباحث سیاسی مطرح شده در پساتحریم شده و به‌عنوان یک الزام ملی مطرح است.

جدول (۱): شاخص‌های مالی، بانکی و اقتصادی کشورهای توسعه یافته در دوره ۱۵-۲۰۰۳

شاخص	دوره																
	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷		
تولید ناخالص داخلی (میلیارد دلار)	۱۱۵۱۱	۵۱۱۱۱	۳۶۰۳۴	۶۷۶۷۱	۷۸۳۳۱	۶۱۸۹۱	۴۱۳۱۱	۴۱۷۲۲	۴۳۵۰۱	۴۳۹۳۱	۴۳۵۰۱	۴۳۵۰۱	۴۳۵۰۱	۴۳۵۰۱	۴۳۵۰۱	۴۳۵۰۱	
کشورهای OECD	۳۳۴۷۸	۳۴۳۳۴	۳۳۶۲۳	۳۹۱۵۸	۴۲۴۱۴	۳۳۱۱۱	۴۱۷۲۲	۴۱۷۲۲	۴۳۵۰۱	۴۳۹۳۱	۴۳۵۰۱	۴۳۵۰۱	۴۳۵۰۱	۴۳۵۰۱	۴۳۵۰۱	۴۳۵۰۱	
کشورهای عضو OECD	۷۸	۳۷۸	۳۳۳	۲۷۷	۷۷	-۰/۳	-۲/۲	۲/۵	۲/۵	۲/۲	۲/۱	۲/۱	۲/۱	۲/۱	۲/۱	۲/۱	
نرخ بهره	۴/۰	۴/۳	۴/۳	۴/۳	۴/۳	۴/۳	۴/۳	۴/۳	۴/۳	۴/۳	۴/۳	۴/۳	۴/۳	۴/۳	۴/۳	۴/۳	۴/۳
کشورهای ناحیه یورو	۴/۲	۴/۱	۳/۴	۴/۸	۴/۳	۴/۳	۴/۳	۴/۳	۴/۳	۴/۳	۴/۳	۴/۳	۴/۳	۴/۳	۴/۳	۴/۳	۴/۳
کشورهای OECD	۴/۲	۴/۱	۳/۴	۴/۸	۴/۳	۴/۳	۴/۳	۴/۳	۴/۳	۴/۳	۴/۳	۴/۳	۴/۳	۴/۳	۴/۳	۴/۳	۴/۳
کشورهای OECD	۴/۲	۴/۱	۳/۴	۴/۸	۴/۳	۴/۳	۴/۳	۴/۳	۴/۳	۴/۳	۴/۳	۴/۳	۴/۳	۴/۳	۴/۳	۴/۳	۴/۳
نسبت سرمایه به دارایی‌های نظام بانکی	۵/۹	۲/۴	۱۰/۳	۱۰/۵	۱۰/۱	۱۰/۳	۱۰/۳	۱۰/۳	۱۰/۳	۱۰/۳	۱۰/۳	۱۰/۳	۱۰/۳	۱۰/۳	۱۰/۳	۱۰/۳	۱۰/۳
کشورهای OECD	۵/۹	۲/۴	۱۰/۳	۱۰/۵	۱۰/۱	۱۰/۳	۱۰/۳	۱۰/۳	۱۰/۳	۱۰/۳	۱۰/۳	۱۰/۳	۱۰/۳	۱۰/۳	۱۰/۳	۱۰/۳	۱۰/۳
کشورهای OECD	۵/۹	۲/۴	۱۰/۳	۱۰/۵	۱۰/۱	۱۰/۳	۱۰/۳	۱۰/۳	۱۰/۳	۱۰/۳	۱۰/۳	۱۰/۳	۱۰/۳	۱۰/۳	۱۰/۳	۱۰/۳	۱۰/۳
نرخ رشد سهام (سال پایه ۲۰۱۰=۱)	-۲/۴	۲/۱۱	۱/۱۱	۳/۷	۳/۵	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱
کشورهای ناحیه یورو	-۱/۷	۵/۸	۶/۱	۲/۷	۵/۱	-۲/۳	-۲/۳	-۲/۳	-۲/۳	-۲/۳	-۲/۳	-۲/۳	-۲/۳	-۲/۳	-۲/۳	-۲/۳	-۲/۳
کشورهای OECD	-۱/۷	۵/۸	۶/۱	۲/۷	۵/۱	-۲/۳	-۲/۳	-۲/۳	-۲/۳	-۲/۳	-۲/۳	-۲/۳	-۲/۳	-۲/۳	-۲/۳	-۲/۳	-۲/۳
کشورهای OECD	۲/۳	۲/۸	۳/۴	۲/۸	۲/۸	۲/۸	۲/۸	۲/۸	۲/۸	۲/۸	۲/۸	۲/۸	۲/۸	۲/۸	۲/۸	۲/۸	۲/۸
نرخ تورم	۲/۱	۲/۲	۲/۴	۲/۴	۲/۴	۲/۴	۲/۴	۲/۴	۲/۴	۲/۴	۲/۴	۲/۴	۲/۴	۲/۴	۲/۴	۲/۴	۲/۴
کشورهای OECD	۲/۱	۲/۲	۲/۴	۲/۴	۲/۴	۲/۴	۲/۴	۲/۴	۲/۴	۲/۴	۲/۴	۲/۴	۲/۴	۲/۴	۲/۴	۲/۴	۲/۴
کشورهای OECD	۲/۱	۲/۲	۲/۴	۲/۴	۲/۴	۲/۴	۲/۴	۲/۴	۲/۴	۲/۴	۲/۴	۲/۴	۲/۴	۲/۴	۲/۴	۲/۴	۲/۴

منبع: سایت بانک جهانی

۱۴۰ فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، سال هفدهم، شماره ۶۷، زمستان ۱۳۹۶

جدول (۲) روند متغیرهای کلان اقتصاد ایران در دوره ۹۳-۱۳۸۲ (وزنم به میلیارد ریال)

شرح	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳
بخش کشاورزی	۱۱۲۴۵۵	۱۱۲۸۰۰	۱۲۵۵۲۱	۱۳۳۵۹۸	۱۳۳۴۲۹	۱۰۵۰۱۹	۱۱۵۱۰۱	۱۲۰۷۲۹	۱۲۰۲۵۸	۱۲۵۱۲۰	۱۳۰۹۵۳	۱۳۵۹۱۲
درصد رشد	۴/۹۵	۰/۳۲	۱۱/۲۸	۵/۲۴	۷/۸۹	-۲۳/۰۲	۹/۲۰	۴/۹۳	-۰/۰۹	۳/۷۰	۴/۲۶	۳/۷۹
بخش نفت	۳۳۹۷۹۰	۳۴۱۹۵۰	۳۵۵۸۴۳	۳۵۵۸۴۳	۳۵۹۸۵۲	۳۵۸۱۲۲	۳۳۷۵۳۶	۳۵۱۸۵۵	۳۴۸۴۳۷	۲۱۸۲۰۳	۱۹۸۷۴۳	۲۰۸۱۹۰
درصد رشد	۱۴/۵۳	۷/۴۰	۰/۰۶	۰/۰۰	۱/۱۳	-۰/۸۴	-۵/۴۰	۴/۲۴	-۱/۰۰	-۳۷/۳۶	-۸/۹۲	۴/۷۵
بخش صنایع و معادن	۳۵۳۱۷۳	۳۶۱۴۵۰	۳۹۲۴۲۶	۴۱۷۳۸۸	۴۴۵۷۸۵	۴۷۵۷۸۵	۴۹۵۵۷۲	۵۲۴۷۷۳	۵۲۱۵۵۴	۵۲۵۵۹۱	۵۱۰۱۳۳	۵۳۵۵۲۴
درصد رشد	۲/۵۹	۳/۱۹	۷/۲۹	۵/۱۷	۸/۰۰	۶/۷۳	۴/۸۸	۷/۸۹	۵/۰۱	-۲/۴۰	-۲/۹۴	۴/۹۸
بخش خدمات	۷۸۷۱۷۲	۸۵۳۵۰۸	۹۲۹۴۰۵	۱۰۳۲۰۶۱	۱۰۳۳۴۲۷	۱۰۳۳۴۲۷	۱۰۳۳۴۲۷	۱۱۳۴۲۰۲	۱۲۰۰۰۲۳	۱۲۱۳۴۲۱	۱۱۹۵۲۸۴	۱۲۲۴۵۴۰
درصد رشد	۷/۵۵	۷/۵۱	۸/۴۳	۸/۸۹	۱۱/۰۵	۰/۴۲	۰/۰۰	۷/۲۴	۵/۷۷	۱/۱۲	-۱/۴۶	۲/۴۱
تولید ناخالص داخلی	۱۴۴۹۵۲۸	۱۵۲۹۰۶۶	۱۶۳۸۱۸۶	۱۷۳۹۴۲۶	۱۸۰۲۴۴۷	۱۹۰۲۴۴۷	۱۹۱۸۳۸۱	۱۹۴۲۹۹۰	۲۰۳۸۵۱۲	۲۰۱۱۵۵۴	۱۹۷۲۸۵۳	۲۰۳۰۵۹۶
رشد تولید	۸/۴	۴/۶	۶/۳	۶/۱	۷/۷	۰/۶	۱/۳	۱/۵	۴/۳	-۱/۸	-۱/۹	۳/۰
نرخ سود (تورم)	۱۷	۱۷	۱۷	۱۶	۱۶	۱۹	۱۸	۱۷	۱۷	۲۰	۳۳	۲۴
نرخ بیکاری	۱۲	۱۰	۱۲	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۴	۱۲	۱۲	۱۰	۱۰
تورم	۱۶	۱۵	۱۰	۱۲	۱۸	۲۵	۱۱	۱۲	۲۲	۳۱	۳۵	۱۶
نرخ ارز مویج (ماده ای) (ریال)	۸۷۲	۸۷۹	۹۰۳۳	۹۱۹۵	۹۷۸۵	۹۵۷۴	۹۹۲۰	۱۰۳۳۹	۱۰۹۲۲	۱۲۲۶۰	۱۲۲۵۳	۲۲۵۰۹
نرخ ارز (بازار آزاد) (ریال)	۸۳۳	۸۴۷	۹۰۴۲	۹۲۲۶	۹۳۹۷	۹۳۹۷	۹۹۹۹	۱۰۶۰۱	۱۳۵۸	۲۶۰۵۹	۳۱۸۳۹	۳۳۸۰۱
شاخص قیمت مصرف کننده	۸۷	۱۰۰	۱۱۰	۱۲۴	۱۴۶	۱۸۳	۲۰۳	۲۲۸	۲۷۷	۳۲۲	۴۸۸	۵۲۴
درصد رشد (تورم)	۱۵/۶	۱۵/۳	۱۰/۴	۱۱/۹	۱۸/۴	۲۵/۴	۱۰/۷	۱۲/۴	۱۷/۵	۳۰/۵	۳۴/۷	۱۵/۶
شاخص قیمت سهام (کل)	۱۱۳۱۹	۱۲۱۱۳	۹۴۵۹	۹۸۲۱	۱۰۰۸۲	۹۸۲۱	۹۸۲۱	۳۳۹۵	۲۵۶۰	۳۸۰۴۱	۷۹۰۱۵	۲۲۵۲۳
درصد رشد	۱۲۴/۸	۶/۴	-۲۱/۹	۳/۸	۶/۷	-۳۱/۰	۵/۴	۸۵/۸	۱۱/۲	۴۶/۸	۱۰۷/۷	-۲۰/۸

منبع: سری زمانی و شاخص های اقتصادی بانک مرکزی  
 \* تولید ناخالص داخلی و شاخص قیمت مصرف کننده به قیمت ثابت سال ۱۳۸۳ - شاخص قیمت سهام به سال پایه ۱۳۸۹.



جدول (۳): رشد اجزای تشکیل دهنده نقدینگی در دوره ۹۳-۱۳۸۲ (ارقام به میلیارد ریال)

۱۳۹۱	۱۳۹۰	۱۳۸۹	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۳	۱۳۸۲	شرح
۲۰۳۶۸۱۳	۲۰۳۱۳۶۱	۲۰۳۱۳۶۱	۲۰۳۱۳۶۱	۲۰۳۱۳۶۱	۲۰۳۱۳۶۱	۲۰۳۱۳۶۱	۲۰۳۱۳۶۱	۲۰۳۱۳۶۱	۲۰۳۱۳۶۱	خالص دارایی های خارجی سیستم بانکی
-۰/۴	۱۳۶۱	۲۲/۰	۵/۸	۲۲/۰	۳۳۸۹۴۰	۱۹۰۵۳۳	۳۳۸۹۴۰	۳۳۸۹۴۰	۳۳۸۹۴۰	درصد رشد
۶۹۵۸۰	۶۹۵۸۰	۶۹۵۸۰	۶۹۵۸۰	۶۹۵۸۰	۶۹۵۸۰	۶۹۵۸۰	۶۹۵۸۰	۶۹۵۸۰	۶۹۵۸۰	خالص بدهی بخش دولتی به سیستم بانکی
۴۳/۳	۴۳/۳	۴۳/۳	۴۳/۳	۴۳/۳	۴۳/۳	۴۳/۳	۴۳/۳	۴۳/۳	۴۳/۳	درصد رشد
۳۰۳۰۰۰۰	۳۰۳۰۰۰۰	۳۰۳۰۰۰۰	۳۰۳۰۰۰۰	۳۰۳۰۰۰۰	۳۰۳۰۰۰۰	۳۰۳۰۰۰۰	۳۰۳۰۰۰۰	۳۰۳۰۰۰۰	۳۰۳۰۰۰۰	بدهی بخش غیردولتی به سیستم بانکی
۱۲۰۷۷۹۶	۱۲۰۷۷۹۶	۱۲۰۷۷۹۶	۱۲۰۷۷۹۶	۱۲۰۷۷۹۶	۱۲۰۷۷۹۶	۱۲۰۷۷۹۶	۱۲۰۷۷۹۶	۱۲۰۷۷۹۶	۱۲۰۷۷۹۶	درصد رشد
۱۲۰۷۷۹۶	۱۲۰۷۷۹۶	۱۲۰۷۷۹۶	۱۲۰۷۷۹۶	۱۲۰۷۷۹۶	۱۲۰۷۷۹۶	۱۲۰۷۷۹۶	۱۲۰۷۷۹۶	۱۲۰۷۷۹۶	۱۲۰۷۷۹۶	خالص سایر اقلام
-۱/۱	۷/۳	۲۲/۱	۱/۱	۱/۸	۲/۸	۱/۸	۲/۸	۲/۸	۲/۸	درصد رشد
۷۸۱۳۸۰۰	۷۸۱۳۸۰۰	۷۸۱۳۸۰۰	۷۸۱۳۸۰۰	۷۸۱۳۸۰۰	۷۸۱۳۸۰۰	۷۸۱۳۸۰۰	۷۸۱۳۸۰۰	۷۸۱۳۸۰۰	۷۸۱۳۸۰۰	کل نقدینگی
۲۲/۳	۲۲/۳	۲۲/۳	۲۲/۳	۲۲/۳	۲۲/۳	۲۲/۳	۲۲/۳	۲۲/۳	۲۲/۳	رشد نقدینگی
۱۲۰۷۷۹۶	۱۲۰۷۷۹۶	۱۲۰۷۷۹۶	۱۲۰۷۷۹۶	۱۲۰۷۷۹۶	۱۲۰۷۷۹۶	۱۲۰۷۷۹۶	۱۲۰۷۷۹۶	۱۲۰۷۷۹۶	۱۲۰۷۷۹۶	پول
۱/۰	۵/۲	۳/۸	۳/۸	۳/۸	۳/۸	۳/۸	۳/۸	۳/۸	۳/۸	درصد رشد
۶۱۱۱	۶۱۱۱	۶۱۱۱	۶۱۱۱	۶۱۱۱	۶۱۱۱	۶۱۱۱	۶۱۱۱	۶۱۱۱	۶۱۱۱	شبه پول
۲/۸	۲/۸	۲/۸	۲/۸	۲/۸	۲/۸	۲/۸	۲/۸	۲/۸	۲/۸	درصد رشد
۷۸۱۳۸۰۰	۷۸۱۳۸۰۰	۷۸۱۳۸۰۰	۷۸۱۳۸۰۰	۷۸۱۳۸۰۰	۷۸۱۳۸۰۰	۷۸۱۳۸۰۰	۷۸۱۳۸۰۰	۷۸۱۳۸۰۰	۷۸۱۳۸۰۰	کل نقدینگی
۲۲/۳	۲۲/۳	۲۲/۳	۲۲/۳	۲۲/۳	۲۲/۳	۲۲/۳	۲۲/۳	۲۲/۳	۲۲/۳	رشد نقدینگی

منبع: گزارشنامه بانک مرکزی، سالهای مختلف

فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، سال هفدهم، شماره ۶۷، زمستان ۱۳۹۶ ۱۴۲

جدول (۴): رشد اجزای تشکیل دهنده پایه پولی در دوره ۹۳-۱۳۸۲ (ارقام به میلیارد ریال)

۱۳۹۳	۱۳۹۲	۱۳۹۱	۱۳۹۰	۱۳۸۹	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۳	۱۳۸۲
۱۵۴۷۰۰	۱۳۷۸۳۰۰	۷۹۲۲۰۶	۷۸۳۱۷۱۸	۶۱۵۴۸	۶۵۵۳۰۰	۵۲۳۳۶۳	۴۲۸۳۳۰	۳۷۱۱۹۵	۲۵۵۵۷	۱۸۳۲۷۹	۱۱۸۰۴۳
۶/۰-	۱/۴۱	۲۵/۰	۱/۱/۶	-۶/۱	۵/۲	۷۸/۳	۱۸/۲	۱/۴۳	۵۰/۴	۵۵/۳	۴۵/۰
—	—	۹۵۹۴	۷۳۱۱۹	۱۳۸۷۴-	۴۸۴۰۲-	۱۰۹۹۵۱-	۴۴۱۹۱-	۱۸۴۳۴-	۸۳۵۲	۶۵۹۹۵	۷۷۹۷
—	—	-۱۳۷/۹	-۷۱/۳	-۵/۲۰	۱۴۴/۸	۱۴۴/۸	-۱۳۱/۱	-۸۶/۹	-۱۵/۴	۳/۵/۶	-۷/۶
—	—	۳۱۷۷۲۲-	۳۲۹۲۳۴-	۲۴۴۹۳۸-	۱۷۲۰۴۷-	۱۵۳۰۰۳-	۱۱۶۵۱۱-	۱۱۷۳۷۴-	۸۱۵۹۴-	۱۱۹۵۳۷-	۹۰۸۵۱-
—	—	-۰/۰۵	۳۴/۴	۳/۴	۳/۴	-۷/۸	۶/۵	-۳۱/۷	۷/۱	۳۱/۶	۳۷/۳
۱۳۱۱۵۰۰	۱۱۸۴۹۰۰	۹۷۵۹۵	۶۱۶۶۳	۶۸۳۳۸	۶۰۳۷۸	۵۳۴۰۶	۳۶۴۹۹	۲۷۹۹۵	۲۲۰۴۱	۱۵۱۲۰۰	۱۷۸۷۱
۱۰/۷	۳/۱	۲/۶	۱/۱/۴	۱۳/۷	۱/۱/۹	۴۷/۶	۳۰/۵	۶/۶	۵/۴	۱۷/۵	۷/۶
—	—	۴۹۵۳۷	۲۵۷۳۷	۲۸۵۱۶	۲۴۳۴۱	۲۲۵۲۷	۲۳۵۸۱	۱۸۴۸۷	۱۷۸۰۰	۹۴۵۷	۷۶۵۱۳
۵۵۴۰۰	۳۷۹۰۰	۵۴۵۳	۲۵۷۳۷	۲۸۵۱۶	۲۴۳۴۱	۲۲۵۲۷	۲۳۵۸۱	۱۸۴۸۷	۱۷۸۰۰	۹۴۵۷	۷۶۵۱۳
۳/۵	۳/۹	۳/۶	۲۳/۶	۱۸/۹	۸/۰	-۴/۵	۷/۶	۳/۴	۳۶/۳	۲۳/۶	۲۷/۳
—	—	۱۱۳۳۵۱	۹۳۷۸۵	۱۱۰۰۳۳	۱۲۹۵۸	۱۰۷۷۳۳	۱۱۱۱۳	۳۳۷۵۸	۷۵۷۵۸	۷۵۷۵۸	۱۰۰۹۳
۳۴۳۰۰	۱۱۵۱۰۰	۱۱۳۳۵۱	۹۳۷۸۵	۱۱۰۰۳۳	۱۲۹۵۸	۱۰۷۷۳۳	۱۱۱۱۳	۳۳۷۵۸	۷۵۷۵۸	۷۵۷۵۸	۱۰۰۹۳
-۳۵/۹	۷/۲	۱۷/۰	-۱۳/۰	-۱۴/۶	۲۰/۶	۱۵۹/۱	۳/۵	-۳۵/۰	۳۵/۳	-۱۹/۳	-۴۹/۲
۱۳۱۱۵۰۰	۱۱۸۴۹۰۰	۹۷۵۹۵	۶۱۶۶۳	۶۸۳۳۸	۶۰۳۷۸	۵۳۴۰۶	۳۶۴۹۹	۲۷۹۹۵	۲۲۰۴۱	۱۵۱۲۰۰	۱۷۸۷۱
۷/۳	۵/۰	۱۹/۹	۸/۵	۶/۲	۱۷/۰	۳/۴	۳/۵	۶/۶	۵/۴	۱۵/۱	۱۳/۳
۱۳۱۱۵۰۰	۱۱۸۴۹۰۰	۹۷۵۹۵	۶۱۶۶۳	۶۸۳۳۸	۶۰۳۷۸	۵۳۴۰۶	۳۶۴۹۹	۲۷۹۹۵	۲۲۰۴۱	۱۵۱۲۰۰	۱۷۸۷۱
۱۰/۱	۳/۱	۲/۶	۳/۱/۱	۱۳/۷	۱/۱/۹	۴۷/۶	۳۰/۵	۶/۶	۵/۴	۱۷/۵	۷/۶

منبع: گزارشنامه بانک مرکزی، سالنامه آماری مختلف

جدول (۵): رتبه بندی ۱۰ بانک برتر بر اساس رتبه بندی موسسه بینکر در سال ۲۰۱۵

رتبه بندی بر اساس گزارش ۲۰۱۵	رتبه بندی بر اساس گزارش ۲۰۱۴	Banker	Banker	میزان سرمایه (میلیارد دلار)	بانک	کشور	کفایت سرمایه	
							۲۰۱۵	۲۰۱۴
۱	۱	ICBC	۲۴۸/۶۰۸	۱	ICBC	چین	۱۴/۷	۱۵/۳
۲	۲	CCB	۱۱۹/۲۰۲	۲	CCB	چین	۱۴/۶	۱۵/۳
۳	۳	JPMORGAN	۱۸۶/۶۳۲	۳	JPMORGAN	آمریکا	۱۴/۱	۱۴/۵
۴	۴	BANK OF CHINA	۱۸۴/۳۳۱	۴	BANK OF CHINA	چین	۱۴/۱	—
۵	۵	BANK OF AMERICA	۱۶۸/۹۷۳	۵	BANK OF AMERICA	آمریکا	—	—
۶	۶	ABC	۱۶۷/۶۹۹	۶	ABC	چین	۱۲/۷	۱۳/۴
۷	۷	CITIGROUP	۱۶۷/۵۱۹	۷	CITIGROUP	آمریکا	—	—
۸	۸	WELLS FARGO & CO	۱۵۴/۶۶۶	۸	WELLS FARGO & CO	آمریکا	۱۲/۴	—
۹	۹	HSBC	۱۵۲/۳۳۹	۹	HSBC	انگلیس	۱۵/۳	—
۱۰	۱۰	mitsubishi UFJ	۱۱۷/۶۴۵	۱۰	mitsubishi UFJ	ژاپن	—	۱۵/۷

منبع: بینکر و سایت ۱۰ بانک مورد مطالعه

## منابع

### الف - فارسی

- ابراهیمی سالاری، تقی (۱۳۹۱)، «مقایسه تطبیقی عقلانیت در اقتصاد کلاسیک و اسلامی»، بابلسر، همایش ملی اقتصادی دانشکده علوم اقتصادی و اداری.
- تسخیری، محمدعلی (۱۳۸۴)، «جایگاه الفاظ و معانی در قراردادهای مالی»، *مجله اقتصاد اسلامی*، سال پنجم، شماره ۱۸.
- ترازنامه بانک مرکزی؛ ترازنامه و صورت‌های مالی بانک‌های عامل، سال‌های مختلف.
- حقیقی، محمدحسن (۱۳۹۱)، «تحلیل صوری سازی قراردادهای عملیات بانکداری بدون ربا در جمهوری اسلامی ایران، مطالعه موردی بانک‌های دولتی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (ع).
- خورسندیان، علی و همکاران (۱۳۹۳)، «ارائه الگویی برای بانکداری اخلاقی»، *فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، سال ۲۲، شماره ۷۱.
- دادگر، یدالله و همکاران (۱۳۹۳)، *مقدمه‌ای در آموزه‌های اقتصادی و مالی اسلام*، تهران: نشر آماره.
- دادگر، یدالله (۱۳۸۵)، «اخلاق بازرگانی (و کسب و کار) از منظر اقتصاد و اقتصاد اسلامی»، *فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی*، شماره ۳۸.
- دادگر، یدالله، اسداله فرزین‌وش و نیما محمدنژاد (۱۳۹۳)، «امکان‌سنجی مقاومت مالیه اسلامی در بحران‌های مالی»، *فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی*، سال هشتم شماره ۲۵.
- دادگر، یدالله و مرتضی عزتی (۱۳۸۲)، «عقلانیت در اقتصاد اسلامی»، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی*، شماره ۹.
- دادگر، یدالله و هادوی‌نیا، اصغر (۱۳۹۱)، «مطالعه تطبیقی عقلانیت اسلامی با رویکرد شناختی»، *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، شماره ۴۷.
- دادگر، یدالله، *اخلاق و اقتصاد*، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۴.
- دانش، سید حسینعلی (۱۳۹۲)، «بررسی مقایسه‌ای وجوه مشابهت عقلانیت در اقتصاد متعارف و اقتصاد اسلامی با تاکید بر رفتار مصرف‌کننده»، رساله دکتری پژوهشکده علوم اجتماعی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

- رحیمی بروجردی (۱۳۹۱)، *اقتصاد اخلاقی*، تهران: نور علم.
- سالاریه، احمد (۱۳۹۲)، *احکام و اخلاق اقتصادی در اسلام*، تهران: راه فردا.
- سن، آمارتیا (۱۳۹۲)، *اخلاق و اقتصاد*، ترجمه حسن فشارکی، تهران: نشر شیرازه، چاپ اول.
- شاکری، عباس (۱۳۹۵)، *مقدمه‌ای بر اقتصاد ایران*، تهران: رافع.
- شایان، کوروش و دیگران (۱۳۹۴). *مروری بر استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی (IFRS)*، تهران: نشر ترمه.
- صدیقی، محمد نجات الله و دیگران (۱۳۷۵) *مباحثی در اقتصاد خرد: نگرش اسلامی*، ترجمه حسین صادقی، تهران: پژوهشکده اقتصاد دانشگاه مدرس.
- طالبی، محمد و حسن کیایی (۱۳۹۱)، *بانکداری اخلاقی: بررسی نقاط مشترک و تمایز آن با بانکداری اسلامی*، تهران: موسسه عالی آموزش بانکداری ایران، مجموعه مقالات بیست و سومین همایش بانکداری اسلامی.
- عیوضلو، حسین و وهاب قلیچ (۱۳۹۳)، *بانکداری اخلاق با رویکرد اسلامی - ضوابط اخلاقی و تدابیر ساختاری*، تهران: پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- فرزین‌وش اسداله (۱۳۹۰)، «الزامات اقتصاد اسلامی به‌عنوان علم بین رشته‌ای»، *فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی*، شماره ۴۳.
- کشاورزبان، اکبر و رامین پاشایی فام (۱۳۹۰)، *سیاست‌های پولی (ابزاری نهادی) متناسب با طرح تحول اقتصادی*، مجموعه مقالات بیست و یکمین همایش سالانه سیاست‌های پولی و ارزی، تهران: پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- ماکس وبر (۱۳۷۱)، *اخلاق پروتستان و روح سرمایه داری*، ترجمه عبدالمعبود انصاری، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول.
- مرکز تحقیقات استراتژیک (۱۳۸۶)، *اخلاق در اقتصاد*، تهران: معاونت پژوهش‌های اقتصادی مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- میرسپاسی، علی، *اخلاق در حوزه عمومی*، تهران: نشر ثالث، ۱۳۸۸.
- نقوی، حیدر، *جمع اخلاق و اقتصاد در اسلام*، ترجمه: حسن تواناییان فرد، ۱۳۶۶.
- نمازی، حسین و یداله دادگر (۱۳۸۹)، *اقتصاد متعارف، اقتصاد ارتدکس و اقتصاد اخلاق‌مدار*، تهران: شرکت سهامی انتشار.

هادوی‌نیا، علی‌اصغر (۱۳۸۱)، *معنویت و مادیت؛ مقایسه اقتصاد اسلامی و لیبرالیستی*، قم: ناشر: موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.

هولسمن، یورگ گونیدو (۱۳۹۲)، *اخلاق تولید پول*، ترجمه: سیدایر حسین میرابوطالبی، تهران: انتشارات دنیای اقتصاد.

ویلسون رودنی (۱۳۸۱)، «شبهات‌های بانکداری اسلامی و بانکداری اخلاقی»، ترجمه محمدزمان رستمی، *اقتصاد اسلامی*، سال ۲، شماره ۶.

#### ب- انگلیسی

- Demiralp, S (2014), 'The Rational Islamic Actor? Evidence from Islamic Banking', Koc University-Tusiad Economic Research, Working Paper 1425.
- Rehman, S.S, and H. Askari (2010), "An Economic Islamicity Index", *Global Economy*, Journal 10, Issue3, 1-39.
- Rosly, S.A, and M.A Abu Bakar (2003), "Performance of Islamic and Mainstream Banks in Malaysia", *International journal of Social Economics*, Vol.30, No.12, pp. 1249-1265.
- Siddiqi, M. N. (2004), *Riba, Bank Interest and the Rational of its Prohibition*, Jeddah, Islamic Research and Training Institute.
- Turkey Bankalar Birliği (Central Bank of Turkey), (2010), Code of Banking Ethics.
- Wilson, R. (2010), *Parallels Between Islamic and Ethical Banking*, Centre for Middle Eastern and Islamic Studies, University of Durham.
- Whitney J and M. Zavala (2014), *The New Economics of Trust*, Beard Books publisher.
- [www.OECD.org](http://www.OECD.org)
- [www.worldbank.org](http://www.worldbank.org)
- [www.Banker.org](http://www.Banker.org)
- [www.icbc.com](http://www.icbc.com)
- [www.ccb.com](http://www.ccb.com)
- [www.abchina.com](http://www.abchina.com)
- [www.wellsfargo.com](http://www.wellsfargo.com)
- [www.JPmorganchase.com](http://www.JPmorganchase.com)
- [www.mitsubishi.com](http://www.mitsubishi.com)
- [www.hsbc.com](http://www.hsbc.com)
- [www.boc.cn](http://www.boc.cn)